

باقر انصاری*

حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران

چکیده:

حریم خصوصی یکی از ارزشمندترین مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه یافته است. حق بر حریم خصوصی در زمره مهم‌ترین حقوقی است که ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد. هدف آن تعالی شخصیت انسان و به دیگر سخن تکریم تمامیت مادی و معنوی انسان است. حریم خصوصی با استقلال و آزادی انسان‌ها و حق بر تعیین سرنوشت برای خود ارتباط وثیق دارد. زیرا فضای لازم برای رشد و تکامل شخصی افراد را فراهم ساخته و از ابزار شدن انسان‌ها جلوگیری می‌کند. به انسان‌ها امکان می‌دهد تا اهداف و غایات خصوصی خود را تعقیب کنند و عرصه‌ای برای ابراز احساسات و عواطف درونی خود داشته باشند. همچنین، حریم خصوصی یکی از اصول سازمان‌بخش جامعه مدنی است که امکان شکوفایی انجمن‌ها و تشکلات خصوصی را فراهم می‌سازد. لزوم حمایت از حریم خصوصی و عدم مداخله در امور خصوصی دیگران یکی از آموزه‌های مهم اسلام نیز می‌باشد. در آیات متعددی از قرآن مجید بر لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص تأکید شده است. سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و سیره مسلمانان نیز سرشار از توصیه‌هایی در پرهیز از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی است. البته، اصطلاح «حریم خصوصی» نه در آیات قرآن و نه در روایات اسلامی استعمال نشده است و موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی یک موضع به اصطلاح «تحویل گرایانه» است. یعنی حریم خصوصی، در قالب احاله به حقوق و آزادی‌های دیگر نظیر حق مالکیت، حق آزادی از تجسس، حق برخورداری از اصل برائت، حق غیرقابل تعرض بودن حقوق وابسته به شخصیت مورد حمایت واقع شده است. نویسنده بر این باور است که قدمت حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی بسیار بیشتر از سایر نظام‌های حقوقی است و مقوله‌های مختلف این حق با مبانی مستحکمی مورد حمایت قرار گرفته است. با وجود این، متأسفانه نه در نظام حقوقی ایران و نه در نظام حقوقی سایر کشورهای مسلمان، در تدوین قوانین و

* دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
از این نویسنده تاکنون مقاله زیر در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتشر شده است:
«مقدمه‌ای بر مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی»، سال ۸۲، شماره ۶۲.

مقررات مختلف مرتبط با حریم خصوصی، اهمیت این حق چنانکه باید درک نشده و حمایت‌های لازم از آن صورت نگرفته است.

واژگان کلیدی:

حریم خصوصی، تجسس، شنود، تمامیت جسمانی، داده‌های شخصی.

بخش اول - کلیات

طرح مسأله

حریم خصوصی یکی از ارزشمندترین مفاهیم نظام‌های حقوقی توسعه یافته است. حق بر حریم خصوصی در زمره مهم‌ترین حقوقی است که ارتباط تنگاتنگی با کرامت انسانی دارد. لذا حمایت از شخصیت انسانی مستلزم حمایت از حریم خصوصی است (Innes, 1992) و حمایت از حریم خصوصی به تکریم شخصیت انسان و به تعبیر دیوان اروپایی حقوق بشر به تکریم «تمامیت مادی و معنوی» انسان می‌انجامد. Judgment of The European Court of Human

Rights in X&Y v. The Netherlands, 1985)

حریم خصوصی با آزادی و استقلال انسان و حق بر تعیین سرنوشت برای خود نیز ارتباط ملازمی دارد. زیرا، فضای لازم برای رشد و تکامل شخصی افراد را فراهم می‌آورد. انسان‌ها ابزارهایی برای اهداف دیگران نیستند بلکه خودشان فی نفسه هدف هستند و آزادند تا غایات زندگی خویش را تعیین کنند. تعقیب اهداف و غایات خصوصی این امکان را فراهم می‌آورد که انسان‌ها با دیگر هموعان خود درجات متعددی از صمیمیت را مطابق با میل خود برقرارکنند و به‌ویژه در عرصه ابزار عواطف و احساسات، شخصیت خود را شکوفا سازند و به دلخواه خود با افراد دلخواه خود گروه یا انجمن تشکیل دهند و آزادی انجمن‌ها را شکوفا سازند. (Ireland Law

Reform Commission (ILRC), 1998, p. 3)

همچنین، حریم خصوصی به عنوان اصل سازمان‌بخش جامعه مدنی شناخته شده است که در بطن قرارداد اجتماعی فرضی هر جامعه مضمّن است و زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز در آن جامعه را فراهم می‌سازد. (Post, 1989, p. 957)

با وجود این، در سال‌های اخیر، تحولات تکنولوژیکی، تحصیل، ضبط و ذخیره حجم انبوهی از اطلاعات کاملاً خاص درباره افراد را میسر ساخته است. این واقعیت یک خطر جدی است؛ زیرا، اطلاعات مذکور نه تنها ممکن است به ضرر فرد مورد نظر جمع‌آوری شده و به کار رود بلکه جامعه نیز ممکن است در سطح کلان از این امر متضرر شود. همچنین اطلاعات جزئی

درباره افراد که به طرق مشروع به دست آمده‌اند ممکن است برای منظوری غیر از آنچه در تحصیل آنها مدنظر بوده است مورد استفاده قرار گیرد. افراد جامعه ممکن است کاملاً ناآگاه باشند که چنان اطلاعاتی راجع به آنها جمع آوری و نگهداری می‌شود. ممکن است در خانه یا در محل کار، رفتار یک شخص به انحای مختلف مورد نظارت سمعی یا بصری قرار گیرد، حجم اطلاعاتی نیز که بدین طریق به دست می‌آید در مقایسه با دهه‌های گذشته بسیار زیاد است. (ALRC, 1983: vol.1, para. 282)

تهدیداتی که نسبت به حریم خصوصی وجود دارد نه تنها از ناحیه دولت‌ها، بلکه از جانب واحدهای شبه دولتی نیز متصور است. شرح حال شخصی افراد در سطح کلان برای دیگر اشخاص قابل افشا شده است. افراد معمولی با امکان دسترسی به بسیاری از وسایل پیچیده، می‌توانند نظارت سمعی و بصری بر احوال دیگران صورت دهند و به‌طور خلاصه اینکه اکنون، بسیار به ندرت می‌توان یک پایگاه اطلاع‌رسانی پیدا کرده که بتواند در برابر حک‌های کامپیوتری غیرقابل نفوذ باشد. (ILRC, 1996, p. 2)

اکنون تردید بسیار کمی در این باره وجود دارد که در بسیاری از عرصه‌ها، ظرفیت‌های تکنولوژیکی از حمایت‌های قانونی حریم خصوصی سبقت گرفته‌اند. در چنین عرصه‌هایی یا هیچ حمایتی از حریم خصوصی وجود ندارد یا این حمایت بسیار کم است. در سایر عرصه‌ها برخی حمایت‌ها وجود دارد ولی در عصر تحولات تکنولوژیکی همیشه این خطر وجود دارد که حمایت موجود، غیرکارآمد و ناکافی شود. (ILRC, 1996, p. 3)

جرج اورول^(۱) در مورد تأثیر تحولات تکنولوژیکی بر نقض حریم خصوصی می‌گوید در گذشته هیچ حکومتی قدرت نداشت تا شهروندان خود را تحت نظارت دائم قرار دهد. با وجود این، اختراع چاپ دست‌اندازی در افکار عمومی را آسان ساخت و اختراع فیلم و رادیو این روند را گسترش بخشید. با تحول تلویزیون و پیشرفت فنی که دریافت و ارسال همزمان با یک وسیله واحد را میسر ساخت، زندگی خصوصی پایان یافت. هر شهروندی یا دست‌کم هر شهروندی که به اندازه کافی ارزش نظارت داشته باشد، ممکن است ۲۴ ساعت روز را در زیر چشمان دولت سپری کند. اکنون، امکان اطاعت کامل از اراده دولت و نیز یکدست شدن عقاید راجع به همه موضوعات، چیزی است که با اندک تأملی قابل فهم است. (ILRC, 1996, p. 7)

1- George Orwell.

بدون تردید استفاده دولت‌ها از تکنولوژی برای کسب اطلاعات درباره افراد، یکی از بزرگترین خطرهای است که استقلال شخصی و خوشبختی افراد را تهدید می‌کند، زیرا، میزان قدرت دولت بسیار زیاد است که می‌تواند با مهارت کافی از آن جهت نقض حریم خصوصی استفاده کند. در کنار مراجع دولتی و عمومی، افراد خصوصی و صاحبان برخی مشاغل نیز ممکن است به دلایل متعددی متمایل به استفاده از وسایل فنی نظارت‌های سمعی و بصری باشند. نظارت بصری،^(۱) اعم از علنی و پنهانی، اکنون کاملاً شایع است. تلویزیون‌های مدار بسته و دوربین‌های ویدئویی در بانک‌ها و مغازه‌ها جهت مقاصد امنیتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. استفاده از چنین وسایلی توسط بخش‌های خصوصی، مسائلی از حریم خصوصی را در رابطه با نه تنها کارکنان بلکه مشتریانی که رفتار آنها بدون آگاهی یا رضایت آنها توسط وسایل فنی الکترونیکی مورد مشاهده و ضبط قرار می‌گیرد ایجاد کرده است. به همین طریق ممکن است شخصی به دلایل متعددی به استراق سمع و جاسوسی صنعتی اقدام کند.

(ALRC, 1983: vol.1, p. 40)

همچنین در سال‌های اخیر، تحولات مهمی در زمینه شکل و سرعت ارتباطات شخصی رخ داده است. اکنون هر شخصی می‌تواند با استفاده از یک پست الکترونیک پیامی را به دیگری ارسال کند. یعنی یک شکل ارتباط بدون کاغذ که شامل ارسال داده‌های محاسبه شده از یک رایانه به یک رایانه دیگر می‌باشد ایجاد شده است. پست الکترونیک این ظرفیت را دارد که جایگزین بسیاری از روش‌های خدمات پست سنتی و تلفن گردد. ولی استفاده از این شیوه جدید ذاتاً در معرض رهگیری و نظارت دیگران قرار دارد. به طوری که شخص دیگری غیر از دریافت‌کننده پیام می‌تواند به آسانی به آن پیام دسترسی پیدا کرده و آن را بخواند.

(ALRC, 1983: vol.1, p. 119)

عوامل فوق سبب شده است تا حریم خصوصی در زمره یکی از مهم‌ترین مصادیق حقوق بشر شناخته شده و در بسیاری از اسناد بین‌المللی راجع به حقوق بشر نظیر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به غیرقابل تعرض بودن آن تصریح شود. همچنین در قوانین اساسی بسیاری از کشورهای جهان نیز حریم خصوصی به صورت کلی یا مصداقی مورد شناسایی و حمایت قرار گرفته است. بدین ترتیب در نفس این امر که حریم

1- Optical surveillance..

خصوصی باید مورد حمایت قرار گیرد تردیدی وجود ندارد. اما چگونگی این حمایت محل نزاع است. به عبارت دیگر، اینکه حریم خصوصی چیست و چه چیزهایی داخل در آن یا خارج از آن قرار می‌گیرند و شرایط و موارد ورود به حریم خصوصی در زمره مهم‌ترین مباحث محافل حقوقی است. در این مقاله سعی شده است تا مفهوم حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، حقوق تطبیقی و حقوق ایران مورد مطالعه قرار گیرد.

مبحث نخست - تعریف حریم خصوصی

الف- گرایش‌های کلی

با آنکه اصطلاح «حریم خصوصی» در زبان محاوره و نیز در مباحث فلسفی، سیاسی و حقوقی مکرر استعمال می‌شود ولی هنوز تعریف یا تحلیل واحدی از این اصطلاح ارائه نشده است. مفهوم حریم خصوصی، ریشه‌های عمیقی در مباحث جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی راجع به اینکه چگونه در فرهنگ‌های مختلف برای آن ارزش قایل شده‌اند دارد.

(Stanford Encyclopedia of Philosophy (SEP) Right to Privacy)

به‌طور کلی، «حریم خصوصی» یک مفهوم سیال است که امروزه از جمله آزادی اندیشه، کنترل بر جسم خود، خلوت و تنهایی در منزل، کنترل بر اطلاعات راجع به خود، آزادی از نظارت‌های دیگران، حمایت از حیثیت و اعتبار خود و حمایت در برابر تفتیش‌ها و تجسس‌ها را شامل می‌شود.

فلاسفه حال و گذشته، نظریه پردازان حقوقی و قضات همواره از دشواری ارائه تعریف اذعان‌کننده از مفهوم حریم خصوصی شکوه کرده‌اند. برای مثال، برخی صاحب‌نظران درباره تعریف حریم خصوصی این چنین اظهار نظر کرده‌اند: (Solove, 2002, vol. 90, pp. 1088-89)

۱- آرتور میلر: (۱) «تعریف حریم خصوصی دشوار است زیرا حریم خصوصی

یک مفهوم بسیار مبهم و شکننده‌ای است»؛

۲- ویلیام بی‌نی: (۲) «حتی جدی‌ترین مدافعان حق حریم خصوصی باید اعتراف

کنند که مشکلات جدی در تعریف ذات و قلمرو این حق وجود دارد»؛

۳- تام گرتی: (۳) «حریم خصوصی برای حقوق‌دانان بیش از هر چیز دیگری واجد

1- Arthur Miller.

2- William Beaney.

3- Tom Gerety.

یک ظرفیت متلون و متغیر است.

دشواری تعریف حریم خصوصی و تعیین چارچوب ماهوی و صوری آن سبب شده است که برخی نظریه پردازان، هویت مستقلی برای حریم خصوصی قایل نشوند و حمایت از آنچه را که به حریم خصوصی موسوم شده به دیگر حقوق تثبیت شده احاله دهند. بنابراین، امروزه دو رویکرد مختلف در مورد هویت استقلالی حریم خصوصی وجود دارد: (Stanford Encyclopedia of Philosophy (SEP) Right to Privacy)

۱- برخی علما با یک نگاه شکاکانه و انتقادی حریم خصوصی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. مهم‌ترین ادعای این افراد آن است که حقی نسبت به حریم خصوصی وجود ندارد و حریم خصوصی چیز تازه‌ای نیست و مطلب خاصی هم نمی‌گوید زیرا، هر نفعی را که به عنوان نفع حاصل از حریم خصوصی مورد حمایت واقع شده است می‌توان در قالب دیگر نفع‌ها یا حق‌ها و به‌ویژه حق مالکیت و حق بر امنیت جسمی مورد حمایت قرار داد. از این گروه به «تحویل‌گرایان» یاد می‌شود.

۲- در مقابل، بسیاری از نظریه پردازان بر این باورند که حریم خصوصی فی نفسه یک مفهوم با ارزش و با معناست. مناقشه‌های فلسفی اینان درباره تعریف حریم خصوصی در نیمه دوم قرن بیستم، برجسته شده و عمیقاً از تحولاتی که در عرصه حمایت حقوقی و قانونی از حریم خصوصی صورت گرفته متأثر شده است. برخی برای دفاع از حریم خصوصی، بر کنترل اطلاعات راجع به افراد تأکید کرده‌اند (برانت در ۱۹۸۳)، برخی دیگر مفهوم حریم خصوصی را موسع در نظر گرفته و از آن به عنوان دفاع از کرامت انسانی حمایت می‌کنند (بلوستین در ۱۹۶۴)، برخی آن را برای صمیمیت حیاتی دانسته‌اند (گرشتین در ۱۹۷۸ و ایننس در ۱۹۹۲). سایر مفسرین حریم خصوصی از آن به این دلیل دفاع کرده‌اند که آن را برای شکوفایی روابط گوناگون بین اشخاص ضروری می‌بینند (فرید در ۱۹۷۰ و رشل در ۱۹۷۵) یا آن را به عنوان ارزشی دانسته‌اند که به انسان توانایی می‌بخشد تا دسترسی دیگران به خود را کنترل کند (گویسن در ۱۹۸۰ و آلن در ۱۹۸۸) یا آن را نه تنها به عنوان وسیله کنترل دسترسی دیگران به ما بلکه وسیله تعالی بیان و گزینش شخصی دانسته‌اند (شوئمان در ۱۹۹۲) و سرانجام آنکه برخی مؤلفین از ترکیب تعاریف مذکور استفاده کرده‌اند. (دسیو در ۱۹۹۷)

همان‌طور که گفته شد تعاریف و برداشت‌های مختلفی از حریم خصوصی وجود دارد. این تعاریف را می‌توان در شش دسته تقسیم‌بندی کرد: (Foord, 2002, p. 4)

- ۱- حریم خصوصی عبارتست از حق بر تنها ماندن؛
- ۲- حریم خصوصی یعنی دسترسی محدود به خود و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی‌های ناخواسته به انسان؛
- ۳- حریم خصوصی یعنی محرمانگی؛ یعنی پنهان ساختن برخی امور از دیگران؛
- ۴- حریم خصوصی یعنی کنترل بر اطلاعات شخصی؛
- ۵- حریم خصوصی یعنی حمایت از شخصیت و کرامت؛
- ۶- حریم خصوصی یعنی صمیمیت و نزدیکی.

برخی از این تعاریف و برداشت‌ها برای افاده مفهوم حریم خصوصی به وسیله متوسل شده‌اند و برخی به هدف. بین این برداشت‌ها تداخل و هم‌پوشانی نیز وجود دارد. برای مثال کنترل بر اطلاعات شخصی برابر است با محدود ساختن دسترسی دیگران به انسان. بنابراین، برداشت‌های مذکور براساس اصول طبقه بندی ارائه نشده‌اند بلکه گزینش و ارائه آنها در شش دسته برای نشان دادن نظریه‌هایی است که درباره حریم خصوصی ارائه شده‌اند. (Solove, 2002, vol. 90, pp. 1092)

به علاوه برخی از تعاریف در تعیین ماهیت و اهمیت حریم خصوصی مضیق عمل کرده‌اند و برخی دیگر موسع. برخی مضیق هستند زیرا بعضی از جنبه‌های زندگی را که نوعاً خصوصی شناخته می‌شوند در برنمی‌گیرند و برخی دیگر موسع هستند زیرا اموری را که نوعاً خصوصی شناخته نمی‌شوند از شمول تعریف خارج نمی‌سازند. (Solove, 2002, vol. 90, pp. 1094)

همچنین در گذشته توجه حمایت از حریم خصوصی عمدتاً بر مبنای اصول اخلاقی صورت می‌گرفت. اما اکنون دو گرایش کلی در برخورد با حریم خصوصی به چشم می‌خورد:

- ۱- برداشت‌های توصیفی از حریم خصوصی - توصیف می‌کند که در عمل و واقع چه چیزهایی به عنوان امور خصوصی حمایت شده‌اند.
- ۲- برداشت‌های دستوری از حریم خصوصی این برداشت‌ها از ارزش حریم خصوصی و حدود شایسته برای حمایت از آن صحبت می‌کنند.

در هر یک از برداشت‌های مذکور، برخی متفکرین، حریم خصوصی را «نفع» تلقی می‌کنند و برخی دیگر آن را یک «حق» اخلاقی یا قانونی می‌دانند که باید به وسیله جامعه یا قوانین، مورد حمایت قرار گیرد. (Stanford Encyclopedia of Philosophy (SEP) Right to Privacy)

اکنون به بررسی برخی تعاریف مشهور از حریم خصوصی می‌پردازیم:

ب - تعاریف برخی صاحب نظران

ادوارد بلوستین^(۱) نقض حریم خصوصی را به عنوان یک اقدام توهین آمیز نسبت به شرافت بشری قلمداد می‌کند. به اعتقاد او ورود در زندگی خصوصی افراد شرافت فردی، حیثیت و تمامیت افراد را نابود ساخته و آزادی و استقلال فردی را از خاصیت می‌اندازد. به گفته بلوستین:

«انسانی که مجبور است تا تمام دقائق زندگی‌اش را در میان دیگران بگذراند و تمامی نیازها، افکار، آرزوها، تمایلات یا خشنودی او تابع نظر عموم است محروم از فردیت خویش و تمامیت و شرافت بشری است. چنین فردی با توده مردم ادغام می‌شود و نظرات او هرگز از نظرات عموم متفاوت نمی‌شود. خواسته‌های او شناخته شده بوده و همیشه به چیزهای مورد قبول عموم متمایل می‌باشد. احساسات او از آنجا که آشکارا ابراز می‌شود کیفیت صمیمیت منحصر به فرد شخصی را فاقد بوده و از احساسات تمام انسان‌ها ناشی می‌شود. چنین موجودی گرچه ذی‌شعور و مُدرک هست ولی موجود مثلی بوده و فرد به شمار نمی‌رود».

(Bloustein, 1964, p. 1003)

با وجود این به نظر می‌رسد که توصیف نقض حریم خصوصی به عنوان توهین به شرافت بشری کافی نباشد. زیرا همان‌طور که تیم فریزر^(۲) خاطر نشان ساخته است گرچه نقض حریم خصوصی نقض شرافت بشری است شرافت فردی ممکن است بدون تجاوز به حریم خصوصی نیز مورد لطمه و صدمه واقع شود. (Frazer, 1983, pp. 281-96)

توماس کولی اولین شخصی است که حریم خصوصی را به عنوان «حق نسبت به تنها ماندن»^(۳) تعریف می‌کند. (Cooley, 1988, p. 29) ولی روت گویسن تعریف کولی را بسیار ساده و مجمل می‌داند:

«این توصیف از آنجا که یک ظاهری از افتراق را ارائه می‌کند تقریباً شامل همه شکایت‌های قابل تصور اشخاصی می‌شود که آنها می‌توانند طرح کنند. ولی بسیاری از مصادیق حق تنها ماندن مردم به عنوان نقض حریم خصوصی قابل توصیف نیست. ملزم ساختن مردم به پرداخت مالیات یا به حضور در ارتش یا مجازات آنها به هنگام ارتکاب قتل نمونه‌های بارزی از مصادیق مذکور هستند».

(Gavison, 1976, p. 147)

1- Edward Bloustein.

2- Tim Frazer.

3- Right to be let alone.

1980, para. 434)

به اعتقاد آلان وستین چهار مبنا برای حریم خصوصی افراد وجود دارد: (Westin, 1968, pp. 31-32)

۱- خلوت و تنهایی^(۱) - در این صورت افراد از گروه جدا شده و دور از چشم دیگر اشخاص زندگی می‌کنند.

۲- صمیمیت و الفت^(۲) - گاهی افراد به عنوان بخشی از یک واحد کوچک عمل می‌کنند که مایل است تا تنهایی فیزیکی (جسمی) خودش را داشته باشد به گونه‌ای که بتواند یک الفت و رابطه بسیار نزدیک و صمیمی میان دو یا چند فرد وجود داشته باشد.

۳- ناشناس ماندن^(۳) - این وضعیت حریم خصوصی هنگامی حادث می‌شود که افراد در اماکن عمومی حضور داشته باشند ولی مایل باشند که آزادی خودشان را نسبت به عدم مورد شناسایی واقع شدن و نظارت دیگران حفظ کنند. گرچه فرد می‌داند که او در خیابان در معرض دید قرار دارد ولی انتظار آن را ندارد که هویتش مشخصاً مورد شناسایی قرار گیرد و به صورت سیستماتیک در معرض مشاهده دیگران واقع شود.

۴- خویشتن داری (رزرو)^(۴) - این وضع هنگامی حادث می‌شود که نیاز افراد به محدود ساختن مخابره اطلاعات مربوط به آنها به دیگران و به ویژه کسانی که روابط شخصی با آنها دارند مورد حمایت قانون قرار می‌گیرد.

وستین تاکید می‌کند که در یک جامعه آزاد و تابع استثنائات فوق‌العاده در جهت منافع عموم، اختیار تصمیم‌گیری نسبت به اینکه چه زمانی و تحت چه شرایطی اطلاعات شخصی برای عموم مردم قابل افشا است باید موکول به نظر افراد باشد. لذا حریم خصوصی را باید به این صورت تعریف کرد که:

«حق افراد، گروه‌ها یا مؤسسات نسبت به اینکه برای خویشتن تعیین کنند چه زمانی، چگونه، و تا چه اندازه‌ای اطلاعات مربوط به آنها به دیگران قابل مخابره باشد. در قالب رابطه با مشارکت اجتماعی، حریم خصوصی عبارتست از عدول ارادی و موقتی یک شخص از عموم جامعه با استفاده از وسایل فیزیکی یا روانی، خواه با قرار دادن خود در یک وضعیت تنهایی و انزوا و خواه در یک گروه کوچک

1- Solitude.

2- Intimacy.

3- Anonymity.

4- Reserve.

صمیمانه و خواه در حالت ناشناس ماندن یا خویشتن داری و تحفظ به هنگامی که

شخص در یک گروه بزرگتری قرار دارد». (Westin, 1968, p. 8)

به نظر روت گویسن هنگامی با فقدان حریم خصوصی مواجه هستیم که دیگران بتوانند اطلاعاتی دربارهٔ یک فرد به دست آورند، او را مورد توجه خود قرار دهند یا به او دسترسی داشته باشند. وی نتیجه‌گیری می‌کند که مفهوم حریم خصوصی متشکل از سه عنصر است که مستقل از یکدیگر ولی مرتبط با همدیگر می‌باشند: (Gavison, 1980, para. 428)

۱- محرمانه بودن یا سزیت^(۱) (میزانی که تا آن میزان یک فرد شناخته شده است) - هنگامی می‌توان گفت که یک شخص حریم خصوصی خود را از دست داده است که او قادر نباشد تا مخایره اطلاعات راجع به خویش یا استفاده از آن اطلاعات را که در عرصهٔ عمومی قابل دسترس نیست کنترل کند. هر چه تعداد مردمی که از اطلاعات فرد آگاهی پیدا می‌کنند بیشتر باشد نقض حریم خصوصی وسیع‌تر خواهد بود.

۲- ناشناس ماندن یا بی‌نامی^(۲) (میزانی که تا آن حد یک فرد موضوع توجه دیگران واقع می‌شود) - افراد هنگامی که مورد توجه دیگران واقع می‌شوند، حریم خصوصی خود را از دست می‌دهند. موضوع توجه واقع شدن به تنهایی لطمه به حریم خصوصی است هر چند که هیچ نوع اطلاعاتی دربارهٔ فرد به دیگران مخایره نشود. (Gavison, 1980, para. 432)

۳- تنهایی و خلوت^(۳) (میزانی که تا آن حد دیگران دسترسی فیزیکی به یک فرد دارند) - اگر دیگران دسترسی فیزیکی به افراد داشته باشند آنها حریم خصوصی خود را از دست خواهند داد. زیرا دسترسی فیزیکی نه تنها دیگران را قادر می‌سازد تا اطلاعاتی دربارهٔ یک فرد به دست آورند بلکه که این امر «تنهایی مکانی»^(۴) یک فرد را نیز کاهش می‌دهد. (Gavison, 1980, para. 433)

تمرکز گویسن بر دسترسی به یک شخص است. در نهایت امر، او حریم خصوصی را چنین تعریف می‌کند: «میزانی که تا آن میزان ما برای دیگران شناخته شده هستیم، میزانی که تا آن میزان دیگران به ما دسترسی فیزیکی دارند و میزانی که تا آن میزان ما مورد توجه دیگران واقع شده‌ایم». (Gavison, 1984, para. 379)

این تعریف با انتقاداتی مواجه شده است. بدینسان که اگر نقض حریم خصوصی هر زمانی

1- Secrecy.

2- Anonymity.

3- Solitude.

4- Spatial aloneness.

رخ دهد که اطلاعاتی دربارهٔ یک فرد آشکار شود مفهوم حریم خصوصی معنای عرفی یا شهودی خود را از دست می‌دهد.

ریموند ویکس^(۱) اعلام می‌کند که به اعتقاد او گرچه تمرکز کردن بر یک فرد یا ورود به خلوت اشخاص به حق حریم خصوصی آنها لطمه می‌زند ولی در این اوضاع و احوال توجه ما به حریم خصوصی اشخاص به هنگامی شدید است که او مشغول فعالیت‌هایی باشد که عادتاً باید خصوصی و شخصی تلقی شوند لذا به نظر ایشان حمایت اعطا شده توسط قانون به حریم خصوصی باید محدود به اطلاعاتی باشد که به فرد مربوط می‌شود و به‌طور معقول و متعارف بتوان پیش‌بینی کرد که وی آن اطلاعات را به‌عنوان اطلاعات کاملاً خصوصی یا حساس تلقی می‌کند و لذا در صدد است که جمع‌آوری، استفاده یا به‌گرددش افتادن آن اطلاعات را ممنوع و یا دست‌کم محدود سازد. (Wacks, 1993, pp.25-6)

ویلیام پراسر^(۲) که یکی از اساتید برجستهٔ مسئولیت مدنی در آمریکا است یک نظر توصیفی نسبت به حریم خصوصی اتخاذ کرده است. وی پس از بررسی تصمیمات دادگاه‌های آمریکا که وجود حق حریم خصوصی را شناسایی کرده‌اند نتیجه‌گیری می‌کند که حریم خصوصی «متشکل از چهار نوع تجاوز جداگانه به چهار نفع متفاوت شاکی است که به وسیله یک نام مشترک با یکدیگر خورده‌اند. این منافع چهارگانه جز اینکه هرکدام نمایانگر تجاوز به حق شاکی نسبت به «تنها ماندن» هستند وجه مشترک دیگری ندارند. وی چهار نوع مسئولیت مدنی را به شرح زیر توصیف می‌کند: (Prosser, 1960, para. 389)

۱- مسئولیت مدنی ناشی از تجاوز به تنهایی یا خلوت شاکی یا مداخله در امور خصوصی او؛

۲- مسئولیت مدنی ناشی از افشای همگانی وقایع خصوصی آزار دهنده راجع به شاکی؛

۳- مسئولیت مدنی ناشی از انتشاری که از شاکی در انظار عمومی یک چهرهٔ کاذب ارائه می‌دهد؛

۴- مسئولیت مدنی ناشی از تصاحب نام یا استفاده از شباهت شاکی برای استفادهٔ خواننده. سرانجام آنکه، بسیاری از فلاسفه استدلال می‌کنند که جوهر و ذات حریم خصوصی، غیرقابل دسترس بودن است. برخی از فلاسفه حریم خصوصی را به عنوان یک وسیلهٔ کنترل

1- Raymond Wacks.

2- William Prosser .

تلقی می‌کنند که افراد نسبت به قلمرو زندگی خصوصی خویش دارند. طبق این نظر حریم خصوصی به افراد، حق استقلال و خودمختاری نسبت به برخی جنبه‌های زندگی خصوصی‌شان را اعطا می‌کند. لذا حریم خصوصی عبارتست از کنترل افراد نسبت به دسترسی دیگران به اطلاعات راجع به آنها. فردی که این حق کنترل را به صورت ممنوع ساختن افشای برخی از جنبه‌های زندگی خصوصی‌اش اعمال می‌کند در صورتی که دیگران به آن اطلاعات دسترسی پیداکنند شاهد نقض حریم خصوصی خواهد بود و برعکس. (HLRC, 2000, p. 10)

مبحث دوم - حریم خصوصی در آیات قرآن و سنت اسلامی

در آیات متعددی از قرآن مجید بر لزوم رعایت حریم خصوصی اشخاص تأکید شده است. سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و سیره مسلمان نیز سرشار از توصیه‌هایی در پرهیز از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی است. البته، اصطلاح «حریم خصوصی» نه در آیات قرآن و نه در روایات اسلامی استعمال نشده است؛ زیرا، موضع اسلام در مواجهه با مقوله حریم خصوصی یک موضع به اصطلاح «تحویل‌گرایانه»^(۱) است. یعنی از ماهیت و محتوای حریم خصوصی حمایت شده است بدون آنکه نامی از آن برده شود: حریم خصوصی، در قالب احاطه به حقوق و آزادی‌های دیگر نظیر حق مالکیت، حق آزادی از تجسس، حق برخورداری از اصل برائت، حق غیر قابل تعرض بودن حقوق وابسته به شخصیت مورد حمایت واقع شده است. تحقیق در منابع حقوق اسلام نشان می‌دهد که قدمت حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی بسیار بیشتر از سایر نظام‌های حقوقی است. حریم خصوصی منازل، ارتباطات، امور خصوصی و افکار و عقاید شخصی بیش از ۱۴۰۰ سال پیش مورد تأکید اسلام قرار گرفته است در حالی که نخستین جرقه‌های حمایت جدی از حریم خصوصی حتی در مواضع تحویل‌گرایان سنت غرب به قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی برمی‌گردد.

نکته مهمی که در تفسیر آیات و روایات اسلامی مربوط به حریم خصوصی باید مورد توجه قرار گیرد آن است که آیات و روایات مذکور بیشتر در قالب احکام تکلیفی از مصادیق حریم خصوصی حمایت کرده‌اند نه در قالب احکام وضعی. لذا مسئولیت نقض‌کننده حریم خصوصی را که در زمره احکام وضعی است باید از دل احکام تکلیفی استنباط کرد (شیخ

1- Reductionist Approach.

الانصاری، ۱۳۷۴، جزء الثانی، ص ۲۱۴) و نباید خرده گرفت که آیات و روایات اسلامی جنبه مذهبی و اخلاقی دارند و نه جنبه حقوقی تا در تحمیل مسئولیت بر عهده نقض کننده آن قابل استناد باشند.

رایج ترین اصطلاحاتی که در آیات و روایات اسلامی درباره حریم خصوصی به کار رفته اند به شرح زیر می باشند:

- ۱- ممنوعیت تجسس و تحسس و تفتیش
 - ۲- ممنوعیت سوءظن
 - ۳- ممنوعیت سب و هجو و قذف
 - ۴- ممنوعیت نمیمه و غیبت
 - ۵- ممنوعیت تنافس
 - ۶- ممنوعیت خیانت در امانت
 - ۷- ممنوعیت استراق سمع
 - ۸- ممنوعیت استراق بصر
 - ۹- ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان
 - ۱۰- ممنوعیت اشاعه فحشاء
- اینک به فراخور این مقاله به مطالعه برخی از این اصطلاحات می پردازیم.

الف - ممنوعیت تجسس و تحسس و تفتیش

لغت شناسان در مورد تعریف هر یک از اصطلاحات فوق و مترادف یا تغایر معنایی آنها اختلاف نظر دارند. به اعتقاد برخی، تجسس و تحسس و تفتیش دارای معانی واحد هستند و به اعتقاد بعضی دارای معانی متعدد.

تعاریف مختلفی که از تجسس و تحسس صورت گرفته است به طور خلاصه عبارتند از:

۱- قرطبی از قول أخفش می گوید که تفاوتی میان اصطلاح های مذکور وجود ندارد و بسیار

شبهه به هم هستند زیرا: (القرطبی، ۱۴۰۵ ه ق، ج ۱۶، ص ۳۳۴)

۱-۱- تجسس عبارت است از دنبال کردن چیزی که از انسان کتمان شده است و

تحسس عبارت است از دنبال خبرگشتن و مطلع شدن از اخبار دیگران بی آنکه

کتمان در کار باشد.

۱-۲- تجسس عبارت است از دنبال امور گشتن ولی تحسس عبارت از چیزی است که انسان با بعضی حواس خود آن را درک می‌کند.

۱-۳- قول دیگری که قرطبی در تفاوت تجسس و تحسس ذکر می‌کند آن است که تجسس یعنی دنبال خبر گشتن برای دیگران و عامل و جاسوس دیگران بودن اما تحسس یعنی دنبال خبر گشتن برای خویش نه برای دیگران. (القرطبی، ۱۴۰۵ هـ ق، ج ۱۶، ص ۳۳۴)

۲- ابن‌الجوزی نیز در زادالمسیر میان تجسس و تحسس تفاوت قایل شده و می‌گوید تجسس یعنی دنبال عورات مردم گشتن ولی تحسس یعنی استماع سخنان دیگران. (ابن‌الجوزی، ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۷، ص ۱۸۶)

۳- المناوی در فیض القدير وجه فارق سومی را میان تجسس و تحسس اعلام می‌کند. به اعتقاد وی، علاوه بر تفاوت‌هایی مذکور در سطور فوق، تجسس عبارت است از دنبال اخبار شرّ دیگران گشتن ولی تحسس عام است و شامل اخبار شرّ و خیر می‌شود. (المناوی، ۱۴۱۵ هـ ق، ج ۳، ص ۱۵۹)

۴- آیت‌الله سید محسن خرازی پس از ذکر اقوال مصباح المنیر، مقابیس المنیر، صحاح جواهری، لسان العرب، اخفش و قرطبی که برخی معتقد به مترادف بودن تجسس و تحسس بوده و برخی میان آنها تفاوت گذاشته چنین نتیجه‌گیری می‌کند که: (الخرازی، ۱۳۸۰)

«فتحصل أن التجسس هو التتبع والتفحص عن بواطن الامور، سواء كان لنفسه اولغیره و سواء كان لداعی الشر اولداعی الخیر و سواء كانت الامور خیراً اوشراً»

تعاریف مذکور برای تفسیر متون دینی اعم از آیات قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) از اهمیت بیشتری برخوردار هستند ولی نباید فراموش کرد که در وضع کنونی، عرف میان این دو اصطلاح تفاوت قایل می‌شود. تعریف عرف از تجسس عبارت است از احوال‌پرسی. اعم از آنکه از امور خیر اشخاص پرسیده شود یا از امور شرّ. لکن اگر احوال‌پرسی از امور پنهانی اشخاص یا از امور شرّ و یا از امور غیر پنهانی ولی برای مقاصد شرّ و یا از امور خیر ولی برای مقاصد شرّ صورت بگیرد می‌تواند مصداق تجسس قرار گیرد. بنابراین، برای تعریف تجسس باید از دو ضابطه نوعی و شخصی کمک گرفت:

۱- تلاش برای دستیابی به امور پنهانی و مکتوم یا امور شرّ و عیوب اشخاص با هر انگیزه‌ای که صورت بگیرد عرفاً تجسس به شمار می‌رود.

۲- پرس و جواز امور ظاهری یا امور خیر دیگران با انگیزه‌ها و مقاصد شرّ تجسس

به شمار می‌رود اما با انگیزه‌ها و مقاصد نیک، تجسس محسوب می‌شود.

ممنوعیت تجسس در امور دیگران در آیه ۱۲ سوره حجرات آمده است. آیه مذکور

می‌فرماید:

«یا ایها الذین آمنوا... لا تجسسوا».

همچنین از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: (ابوبصیر، ۲۰۰۱، صص ۲ و ۳)

۱- «إياكم واطن فإن الظن أكذب الحديث، ولا تجسسوا ولا تباغضوا وكونوا إخواناً».

۲- «من أكل بعلمٍ أكلته فإن بطعمه مثلها من جهنم ومن كسى ثوباً برجل مسلم فإن الله

يكسوه من جهنم، ومن قام برجل مسلم مقام اياء و سمعة فإن الله يقوم مقام اياء و

سمعة يوم القيامة».

۳- «يا معشر من آمن بلسانه ولم يدخل الإيمان قلبه، لا تغتابوا المسلمين ولا تتبعوا

عوراتهم فإنه من اتبع عوراتهم يتبع الله عورته و من يتبع الله عورته يفضحه و (ولو)

فی بيته».

۴- «من حمى مؤمناً من منافقٍ بعث الله ملكاً يحمى لحمه يوم القيامة من نار جهنم،

و من رمى مسلماً بشيٍ يُريد سُنَّيه به حبسه الله على جسر جهنم حتى يخرج مما قال».

۵- «إني لم اوء مرأناً انقب عن قلوب الناس و لا أشق بطونهم». (الری شهری، ۱۳۷۵

ه ش، ج ۱، ص ۳۹۱)

۶- «و من مشى فی عیب اخیه و كشف عورته كان اول خطوة خطاها و وضعها فی

جهنم و كشف عودته على رؤوس اخلائق».(السید الخرازی، ۱۳۸۰، ص ۵)

۷- «من رأى عورة فسترها كمن أحمى مؤثودة».(السجستانی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۲، ص ۴۵۴)

همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است که:

۱- «لا تفتش عن أديانهم فتبقى بلاصديق».(الری شهری، ۱۳۷۵، ص ۳۹۲)

۲- «الجمیل فی ثلاث: فی تبدل الاخوان، والمبنا بذه بغير بیان و التجسس عمالا

یعنی».(السید الخرازی، ۱۳۸۰، ص ۶)

امام علی (ع) نیز در نامه خویش به مالک اشتر به هنگامی که وی را به سمت فرماندار مصر

انتخاب کردند تجسس حاکم در احوال مردم را منع کرده و مالک را به پوشاندن عیوب مردم و

دوری جستن از افرادی که عیوب دیگران را آشکار می‌سازند توصیه فرموده است: (نهج البلاغه،

۱۳۷۹، صص ۶۹-۵۶۸)

«وَلَيْكُنْ أَبَعَدَ مِنْكَ وَأَشْنَاهُمْ عِنْدَكَ، أَطْلُبُهُمْ لِمَعَائِبِ النَّاسِ. فَإِنَّ فِي النَّاسِ عَيْبًا؛
الْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا؛ فَلَا تَكْشِفَنَّ هُمَا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا؛ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ
وَاللَّهُ لَكُمْ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ؛ فَاسْتِرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتِرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تَحَبُّ سَتْرَهُ
مِنْ رَعِيَّتِكَ... وَتَغَابَ عَنْ كُلِّ فَالَا يَضِحُ لَكَ وَلَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاحٍ فَإِنَّ السَّاعِيَ
غَاشٌّ وَإِنْ تَشَبَّهُ بِالنَّاصِحِينَ».

تأمل در مجموع آیات و روایات فوق نشان می‌دهد که برخی از امور مردم به طور مطلق
مصون از تجسس دیگران اعلام شده است و تجسس در برخی دیگر از امور به خاطر علت‌های
خاصی تحریم شده است و این نتیجه همان چیزی است که تحت عنوان ضابطه نوعی و شخصی
از آن یاد کردیم.

ب - ممنوعیت سوءظن

در آیات قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اسلام (ع) سوءظن به عنوان منشاء و ریشه
اصلی تجسس و تفتیش در امور خصوصی دیگران معرفی شده است. به همین دلیل، برای
برخورد بنیادی با معضل تجسس به مردم توصیه شده است که از سوءظن درباره گفتار و اعمال
دیگران پرهیز کنند؛ به ظاهر اعمال و گفته‌ها اعتماد کنند مگر آنکه خلاف آن اثبات شود نه آنکه
ظواهر را با سوءظن مورد تفتیش قرار دهند.

۱- آیه ۱۲ سوره حجرات در این باره می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ
بَعْضُكُم بَعْضًا».

۲- پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده‌اند: (الری شهری، ۱۳۷۵ ه. ش، ج ۱، ص ۳۹۱)

«إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ وَلَا تَحَسَّسُوا وَلَا تَجَسَّسُوا».

۳- علامه مجلسی در بحارالانوار از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند که: (المجلسی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج

۷۲، ص ۲۰۱)

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ مِنَ الْمُسْلِمِ دَمَهُ وَمَالَهُ وَأَنْ يَظُنَّ بِرَجُلٍ مِنَ النَّاسِ بِالسُّوءِ».

ه. ق، ج ۷۲، ص ۲۰۰)

و نیز امام علی (ع) نقل کرده‌اند که:

۳-۱- «ضع أمر أخيك على أحسنه حتى يأتيك ما يفليك منه، ولا تظنن بكلمة خرجت من أخيك سوأ و أنت تجدلها في الخير مهملأ».

۳-۲- «إن الله تعالى حرم من المسلم دمه وماله وأن يظن به ظن السوء».

۴- مولی محمد صالح مازندرانی نیز در شرح اصول کافی از زیان امام علی (ع) تعبیر مشابهی را نقل کرده‌اند که دلالت بر نهی از سوءظن دارد: (المازندرانی، ج ۱۰، ص ۲۰)
«ضع أمر أخيك على أحسنه حتى يأتيك ما يفليك».

۵- از أبو الحسن الثالث (ع) نقل شده است که: (النمازی، ۱۴۱۹ هـ ق، ج ۷، ص ۴۰)

«إذا كان زمان العدل أغلب من الجور فحرام أن تظن بأحد سوء حتى يعلم ذلك منه و إذا كان زمان الجور فيه أغلب من العدل فليس لأحد أن يظن بأحد خيراً حتى يبدو ذلك منه».

۶- از امام کاظم (ع) نیز تعبیر مشابهی روایت شده است: (النمازی، ۱۴۱۹ هـ ق، ج ۷، ص ۴۱)
«إذا كان الجور أغلب من الحق، لم يحل لأحد أن يظن بأحد خيراً حتى يعرف ذلك منه».

۷- و بالاخره آنکه امام صادق (ع) در تصدیق قول و فعل مسلم و نهی از سوءظن فرموده‌اند که: (النمازی، ۱۴۱۹ هـ ق، ج ۷، ص ۴۱)
«المؤمن أصدق على نفسه من سبعين مؤمناً عليه».

در تعریف سوءظن و تفسیر آیات و روایات مذکور تعابیر مختلفی توسط علمای اسلام به کار برده شده است. ابن جوزی در تفسیر آیه ۱۲ سوره حجرات می‌نویسد که ظن بر چهار قسم است: محظور، مأمور به، مباح و مندوب‌الیه. ظن محظور یعنی سوءظن به خدای متعال چون که حسن ظن به خدا واجب است. همچنین است سوءظن به مسلمینی که ظاهرشان عادلانه است. ظن مأمور به عبارت است از ظن نسبت به چیزی بی‌آنکه دلیلی که وصول علم به آن را ممکن سازد ارائه شده باشد. در چنین مواردی، عمل به ظن غالب و اکتفا بر غلبه به جای علم، جایز است. پذیرش شهادت عدول و تقویم مستهلکات و اُرش‌هایی که در قبال جنایات باید پرداخته شوند براساس این ظن صورت می‌گیرد. ظن مباح، همانند ظن پس از نماز است که در این صورت، شخص می‌تواند بنا بر بُعد غالب ظن خود عمل کند و یا اینکه آن را نادیده بگیرد. در مورد چنین ظنی، از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که در صورتی که ظنی در شما پیدا شد به تحقیق درباره آن بپردازید نظیر ظنی که در قلب خود نسبت به برادر خود پیدا می‌کنید و بر اساس

این ظن به وی مشکوک می‌شود. اما ظن مندوب‌الیه عبارت است از حسن ظن نسبت به برادر دینی. (ابن الجوزی، ج ۷، ص ۱۸۵)

از امام صادق (ع) منقول است که ریشه حسن‌ظن در حسن ایمان انسان و سلامت قلب او قرار دارد. هنگامی که می‌بینید یکی از برادران دینی شما خصلتی دارد که آن را انکار می‌کند (به خاطر آن سرزنش خواهد شد) در مورد آن خصلت وی هفت تأویل ارائه کنید. چنانچه قلباً به یکی از هفت تأویل راضی شدید چه بهتر و الا به سرزنش نفس خود بپردازید تا خود را مجاز به کشف خصلتی که تأویل‌های هفت‌گانه از فهم آن عاجز مانده‌اند ندانند و شما بهتر از آن شخص می‌توانید درصد انکار آن خصلت برآیید. (المنامی، ۱۴۱۹ هـ، ج ۷، ص ۱۵۹)

از غزالی نیز منقول است که «سوء‌ظن از فتنه‌های شیطان در حق مسلمین است». صاحب فیض‌القدیر از قول «راغب» می‌گوید که ظن متکی بر اماره است و با توجه به اینکه اماره چیزی مترد بین یقین و شک می‌باشد گاهی به یقین نزدیک می‌شود و گاهی به شک. ظن به هنگامی که قوی‌تر از اماره است پسندیده و به هنگامی که در حد حدس و گمان است مذموم است. (المنامی، ۱۴۱۵ هـ، ج ۳، ص ۱۵۹)

فقهای اسلام با توجه به آیات و روایات مذکور «اصل صحت فعل مسلم» را استنباط کرده و به عنوان یکی از قواعد فقهی مورد شناسایی قرار داده‌اند.

ج - ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان

در آیات قرآن و سنت اسلامی، ورود به منازل اشخاص منوط به استیذان شده است. استیذان یعنی هنگام ورود به منزل دیگران باید خود را معرفی کرد و آشنایی‌های لازم را به صاحب منزل داد تا وی در صورت تمایل در را بگشاید. استیذان نیز یعنی کسب رضایت صاحب منزل پیش از ورود به آن. امروزه استیذان و استیذان دو شرط بسیار مهم در تفتیش و بازرسی از منازل اشخاص است که از مقتضیات دادرسی عادلانه به شمار می‌رود.

۱- خداوند در قرآن مجید فرموده است که:

«لا تدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تسألنوا و تسلموا علی اهلها».

۲- قرآن در جای دیگر می‌فرماید که به منازل مردم تنها از در آنها وارد شوید:

«وأتوا البيوت من أبوابها».

۳- حکمی که پیامبر اکرم (ص) در قضیه سمرة بن جندب صادر کرده است از مهم‌ترین

نمونه‌های تاریخی است که بر ممنوعیت ورود بدون اذن به خانه‌های مردم دلالت می‌کند. سمرة بن جندب در خانه یکی از انصار یک نخل داشت که برای سرکشی به آن، بدون اذن صاحب خانه وارد منزل وی می‌شد. مرد انصاری پس از چند بار اعتراض به این امر، چون راه به جایی نبرد شکایت نزد پیامبر برد. پیامبر اسلام از سمرة خواست که بدون اذن وارد منزل انصاری نشود ولی وی قبول نکرد. پیامبر از وی خواست که از نخل خود در منزل انصاری صرف‌نظر کند و نخل دیگری و حتی چند نخل دیگر در جای دیگر به جای آن دریافت کند ولی سمرة نپذیرفت. پیامبر مجدداً به سمرة اعلام کرد که اگر از نخل خود در این دنیا بگذرد به جای آن در آخرت نخل‌های دیگری به وی خواهد داد ولی این بار هم سمرة قبول نکرد. در پایان پیامبر اسلام برای جلوگیری از ورود بدون اذن و اجازه به منزل انصاری فرمودند که «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»^(۱). لذا به مرد انصاری اعلام کردند که «برو درخت را بکن و در مقابل وی (سمرة) بینداز». (ر.ک: بجنوردی، ۱۳۷۷، الجزء الاول)

۴- در کتب شیعه و اهل سنت نقل است که خلیفه دوم شبی مشغول گشت زنی در شهر بود. از خانه‌ای صدای آواز و عیش و طرب شنیده و حدس زد که عمل حرامی در حال انجام است. برای تحقیق بیشتر راجع به حدس خود، از دیوار منزلی که صدای غنا از آنجا برخاسته بود بالا رفت و صاحب منزل را صدا زد. خطاب به وی گفت ای دشمن خدا گمان کردم که خداوند بر تو لباس شرم و حیا پوشانده است در حالی که معصیت خدا می‌کنی؟ آن مرد در پاسخ خلیفه گفت ای خلیفه زیاد تند نرو اگر من یک معصیت کرده‌ام شما سه معصیت مرتکب شده‌اید. خداوند فرموده است تجسس نکنید و تو تجسس کردی؛ فرموده است به خانه‌های مردم از در وارد شوید و تو دیوار بالا آمدی و بالاخره آنکه خداوند فرموده است که بدون استیناس و اذن وارد خانه مردم نشوید ولی تو بدون اذن وارد منزل من شدی. خلیفه گفت آیا اگر طلب بخشش کنم مرا می‌بخشی. صاحب خانه گفت: آری و خلیفه از منزل خارج شد و رفت. (الری شهری، ۱۳۷۵، ۵ ش، ج ۱، ص ۳۹۱)

د - ممنوعیت استراق سمع و بصر

استراق سمع نیز در سنت اسلامی ممنوع اعلام شده است به گونه‌ای که پیامبر اکرم (ص)

۱- در برخی کتاب‌های حدیث به جای «فی الاسلام»، «علی المؤمن» ذکر شده است.

فرموده‌اند هر کس که به مکالمات دیگران در حالی که آنها مایل نیستند، گوش دهد روز قیامت در گوش وی سرب گذاخته ریخته می‌شود: (ابوبصیر، ۲۰۰۰، ص ۳)

«من استمع إلى حديث قوم و هم يقرون منه، حُبَّ في أذنيه الأذنك».

همچنین هتک ستر و نگاه کردن به هر آنچه که نوعاً یا شخصاً در قلمرو حریم خصوصی قرار می‌گیرد ممنوع است. فقه اسلامی سرشار از توصیه‌هایی در زمینه عدم تجاوز به حریم خصوصی اشخاص از طریق نگاه کردن می‌باشد. از جمله می‌توان به این روایت نبوی اشاره کرد: (السجستانی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ج ۲، ص ۴۵۴)

«من رأى عورة فسترها كمن أحيا مؤودة».

مبحث سوم - حمایت از حریم خصوصی در حقوق تطبیقی

الف - حقوق فرانسه

در فرانسه این عقیده که «زندگی خصوصی»^(۱) نباید توسط غریبه‌ها نقض شود مدت‌ها پیش ابراز شده و احتمالاً اولین بار در مقابل «زندگی عمومی»^(۲) و در مقایسه با آن استعمال شده است. اصطلاح حق بر حریم خصوصی بعدها متداول شد. این اصطلاح تجلی‌های مختلفی در زمان‌های مختلف داشته است. (Picard, 1999, p. 49)

در دوره پس از انقلاب، قانون اساسی ۲۲ اوت ۱۷۹۵ اعلام کرد که... «خانه هر شهروند یک پناهگاه غیر قابل تعرض است» (هر چند که این حق تابع برخی شرایط بود). تحلیل بیشتر این موضوع حاکی از نشانه‌های این حق در دیگر انواع حقوق می‌باشد یا نشان می‌دهد که تجلیات این حق ایجادکننده ضمانت اجرایی برای دیگر تعهدات مرتبط با حریم خصوصی می‌باشد. لذا حقوق مالکیت، حق بر محافظت از اقامتگاه خویش، آزادی عقیده، حقوق شخصیت، وظیفه رعایت اسرار مختلف از جمله اسرار حرفه‌ای یا محدودیت‌های متنوعی که بر نیروهای پلیس تحمیل شده یا مطبوعات تحمیل می‌شود در واقع در برگیرنده اولین مصادیق و شواهد حق بر حریم خصوصی در فرانسه است. (Picard, 1999, p. 50)

گذشته از قانون ۱۱ مه ۱۸۶۸ که انتشار هر نوع امری راجع به زندگی خصوصی را جرم دانست و یک اهمیت فزاینده‌ای تحت لوای حقوق مسئولیت مدنی توسعه یافت، حق عمومی

1- La vie privée.

2- La vie publique.

بر حریم خصوصی تا سال ۱۹۷۰ رسماً مورد شناسایی واقع نشد. در این سال ماده ۹ جدید به قانون مدنی اضافه شد. این ماده می‌گوید: «هر شخصی حق دارد تا زندگی خصوصی اش مورد احترام قرار گیرد» این متن قانونی، آرای قضایی زیادی را به دنبال داشته است که به تعریف حدود حریم خصوصی کمک کرده‌اند. در عمل، این ماده قانونی تنها به ارتباطات خصوصی اعمال می‌شود زیرا قانون مدنی علی‌الاصول بر مقامات عمومی (دولتی) در رابطه با اعمال آنها در قبال افراد حکومت ندارد. با وجود این قواعد حقوقی دیگری تعریف شده و دیگر جنبه‌های حریم خصوصی را حمایت کرده‌اند، هر چند که نه قانونی و نه رویه قضایی خاص درباره این موضوعات وجود نداشت. (Picard, 1999, p. 50)

همچنین، حق حریم خصوصی در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که با حق «زندگی خانوادگی» بسیار مرتبط است انعکاس یافت که این کنوانسیون مستقیماً در حقوق فرانسه قابل اعمال است. بدینسان دادگاه‌های فرانسه اعم از مدنی و اداری می‌توانند از اجرا و اعمال قوانین مخالف با این کنوانسیون خودداری کنند.

تنها در ۱۹۹۵ شاهد هستیم که شورای قانون اساسی فرانسه به تثبیت حق بر حریم خصوصی به عنوان یک حق اساسی (حق مبتنی بر قانون اساسی) رضایت می‌دهد. با وجود این، حق بر حریم خصوصی تنها بدین دلیل یک حق مبتنی بر قانون اساسی شناخته شده است که به صورت کاربست خاصی از آزادی فردی تلقی شده است. در عمل قانون اساسی فرانسه صریحاً به آزادی فردی اشاره می‌کند ولی به حق حریم خصوصی تصریح ندارد و این حق در هیچ‌کدام از مواد آن و نیز در اعلامیه ۱۷۸۹ و نیز در تلاش‌هایی که اخیراً برای اصلاح قانون اساسی صورت گرفته ذکر نشده است. (Privacy and Human Rights, 2002, p. 175)

بنابراین، علی‌رغم بحث‌های علمی درازمدت از حریم خصوصی، این مفهوم حقوقی تنها در سال‌های اخیر در حقوق فرانسه شناسایی شده و قلمرو معنایی و مصداقی آن همچنان محل بحث و مناقشه است: «زندگی خصوصی» یا حریم خصوصی واقعاً به چه معنا است؟ مبانی نظری و ساختار اساسی آن چیست؟ چگونه می‌توان حریم خصوصی را از دیگر حقوقی که می‌توانند آن را حمایت کنند تمییز داد؟ کدام حقوق خصوصی یا منافع عمومی می‌توانند بر حریم خصوصی پیروز شوند و این امر تا چه اندازه ممکن است؟ این حق له و علیه چه کسی به کار برده می‌شود. (Picard, 1999, p. 52)

هنگامی که از یک نقطه نظر مفهومی یا نظری نگریسته شود حق بر حریم خصوصی در گروه

حقوق شخصی به صورت ستاره‌ای ظاهر می‌شود که بیش از دیگر ستاره‌ها می‌درخشد. اما گاهی این حق با دیگر حقوق ادغام می‌شود که تراکم قابل فهم آنها وابسته به نقطه دید و برداشت اشخاص است. برای مثال ماده ۱-۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری در رابطه با احراز هویت اشخاص تمایل به آن دارد که اولاً و بالذات نه از حریم خصوصی به آن مفهومی که گفته شد بلکه از آزادی «حرکت جسمانی و فیزیکی» یا به طور کلی آزادی فردی حمایت کند. تضمین‌های قانونی آزادی فردی به «امنیت شخصی»^(۱) موسومند و همه این تضمینات از اهمیت بسیار بالایی در حقوق فرانسه برخوردارند. (Picard, 1999, p. 52)

علی‌رغم آنکه حق حریم خصوصی به طور صریح در قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه پیش‌بینی نشده بود در سال ۱۹۹۴ شورای قانون اساسی اعلام کرد که حق حریم خصوصی به طور ضمنی در قانون اساسی وجود دارد. (Décision 94-352 du conseil Constitutionnel du 18 Janvier 1995)

در سال ۱۹۷۸، «قانون حمایت از داده‌ها» (Loi N° 78-17 du Janvier 1978 relative à l'informatique, aux Fichiers et aux Libertés) در مؤسسات دولتی و واحدهای خصوصی می‌شود. هر شخصی که بخواهد داده‌های شخصی را مشاهده یا فاش کند باید در صورتی که فاش سازی اطلاعات توسط سازمان‌های دولتی یا برای تحقیقات پزشکی باشد، مشخصات خود را ثبت کرده و اجازه قبلی دریافت کند. افراد باید از دلایل جمع‌آوری اطلاعات مطلع شوند و می‌توانند پیش از جمع‌آوری یا پس از آن نسبت به افشای آنها مخالفت خود را اعلام کنند. افراد حق دسترسی به اطلاعاتی را دارند که درباره آنها نگاهداری می‌شود و نیز حق تقاضای تصحیح و در برخی از موارد حق تقاضای حذف آن داده‌ها را دارند. در صورت تخلف از مقررات قانون مذکور، جزای نقدی و حبس پیش‌بینی شده است. فرانسه به عنوان یکی از اعضای اتحادیه اروپا، نظام حمایت از داده‌ها را برای منطبق ساختن آن با «دستورالعمل اروپایی حمایت از داده‌ها»^(۲) که در اول اکتبر ۱۹۹۸ به تصویب رسیده است اصلاح کرد. قانون جدید حمایت از داده‌ها، اختیارات مرجع حمایت از داده‌ها را با مجاز دانستن آنها به انجام تحقیقات، صدور اخطار و تحمیل مجازات افزایش داده است. مرجع حمایت از داده‌ها «کمیسیون ملی اطلاعات و آزادی‌ها»^(۳) است که با استقلال کامل، قانون حمایت از داده‌ها

1- Sureté individuelle.

2- European Data Protection Directive.

3- Commission National de L' Informatique et des libertés (CNIL).

و دیگر قوانین مرتبط را اجرا می‌کند. کمیسیون مذکور شکایت‌ها را وصول کرده و پس از رسیدگی، احکام آنها را صادر می‌کند؛ قواعدی را تنظیم کرده، گزارش‌هایی را منتشر می‌سازد و دسترسی مردم به اطلاعات را با توجه به مکانیزم‌های موجود تضمین می‌کند.

در فرانسه، نظارت الکترونیکی به موجب قانونی صورت می‌گیرد که در ۱۹۹۱ تصویب شده است. (La loi N°91-636 du 10 Juillet 1991 relative au secret des correspondences émises par la voie des télécommunications) پیش از نصب میکروفون‌های مخفی یا سایر وسایل استراق سمع باید از قاضی تحقیق اجازه گرفته شود. مدت استراق سمع به چهار ماه محدود شده است که قابل تمدید می‌باشد. با این قانون «کمیسیون ملی کنترل رهگیری‌های امنیتی»^(۱) ایجاد شد که به طور سالیانه قواعد و نظراتی را درباره استراق سمع‌های سیمی ارائه می‌کند. در فاصله سال‌های ۱۹۹۹ - ۱۹۹۵ سالیانه بین ۴۵۰۰ تا ۴۷۰۰ استراق سمع سیمی صورت گرفته است که این رقم در سال ۲۰۰۰ تا حدی کاهش نشان می‌دهد. (Privacy and Human Rights, 2002, p. 177)

«قانون آزادی ارتباطات فرانسه» (Loi N° 553 du 28 Juin 2000 relative a la Liberté de Communication) در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۰ به تصویب رسیده است. این قانون از تمام اشخاصی که درصدد پست کردن یک متن در اینترنت هستند می‌خواهد که از طریق انتشار نام و آدرس خود در وبسایت‌ها نسبت به معرفی خود به عموم (در صورت ارتباط امر با تجارت) و یا نسبت به معرفی خود به گیرنده (در صورت ارتباط امر با افراد عادی) اقدام کنند. مقررات قبلی که مجازات‌های شدید و نیز زندان برای اشخاصی پیش‌بینی کرده بود که این شرط را نقض می‌کردند و از ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی (ISPS) می‌خواست تا صحت و درستی جزئیات شخصی را که به آنها داده شده است بررسی کنند در بازنگری نهایی این قانون حذف شدند. قانون از ISPS می‌خواهد که لوگوی تمام داده‌هایی را که ممکن است برای شناسایی یک ارائه‌دهنده متن، در رسیدگی‌های قضایی مورد استفاده قرار گیرد نگاه دارند. این قانون به هنگامی که فرمان اجرای آن منتشر شود لازم‌الاجرا خواهد بود. اکنون ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی تابع قواعد حاکم بر اسرار حرفه‌ای هستند و نمی‌توانند اطلاعات را جز برای قاضی افشا کنند. همچنین، اینان باید در صورت دستور قاضی به حذف یک متن غیر قانونی که در اختیار آنهاست از دستور پیروی کنند.

1- Commission Nationale de Contrôle des Interceptions de sécurité.

تصویب این قانون با انتقادهای زیادی از سوی گروه‌های آزادی‌های مدنی و مدافعان حریم خصوصی مواجه شده و انتقاد اساسی آن بود که قانون مذکور، حق نسبت به بی‌نام ماندن و آزادی بیان را محدود می‌کند. p. <http://www.iris.sgdg.org/ declaration.html> (Available at: actions/ loi-comm/ 180)

مجلس فرانسه در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۱ «قانون راجع به امنیت روزانه» (Loi N°2001-1062 du 15 Novembere Surla sécurité Quotidienne) را که مقررات ضد تروریستی جدیدی در پاسخ به حادثه ۱۱ سپتامبر پیش‌بینی کرده بود وضع کرد. قانون وضع شده شامل مقرراتی درباره نگاهداری داده‌ها و دسترسی اجباری دولت به کلیدهای رمزگشا است. این مقررات از طرح اولیه و پیش‌نویس «قانون جامعه اطلاعات» <http:// www.Legifrance. gov.fr/html/ actualite- Legislative/ prepa/ pl- pli. htm>. available at: مخالفت شده بود. قانون حمایت از امنیت روزانه، با مخالفت گروه‌های حامی آزادی‌های مدنی و حقوق بشر مواجه شد و ایرادهایی به فرایند وضع غیر متعارف و خارج از ضوابط آن که به بهانه مبارزه با تروریسم اتخاذ شده بود صورت گرفت. (available sgdg/actions/loi-sec/>. at: <http://www.iris)

در زمینه نظارت بر محل‌های کار، رویه قضایی پس از رأی مشهور دیوان کشور فرانسه در سال ۲۰۰۱ افزایش یافته است. دیوان کشور اعلام کرد که کارگران حتی در محل کار و در ساعات کار از حق حریم خصوصی برخوردارند و لذا مستحق رعایت محرمانه بودن مکاتبات و مکالمات خود با کارفرمایان هستند. اکنون، کارفرمایان از دسترسی به پست الکترونیک (E-Mail) کارگران خود ممنوع هستند و حتی اگر بتوانند اثبات کنند که پست الکترونیک کارگران آنها محدود و مربوط به امور شغلی آنها می‌شود تأثیری در این ممنوعیت نخواهد داشت. (<http://news.zdnet.fr/cgbin/ fr/ printer- friendly.cgi? id=2096632>) (available at:

فرانسه عضو شورای اروپا است و «کنوانسیون اروپایی حمایت از افراد در برابر فاش سازی خودبه‌خود داده‌های شخصی»^(۱) را امضا و به قوانین خود ملحق کرده است. همچنین، «کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین»^(۲) را نیز امضا و وارد حقوق

1- Convention for the Protection of Individuals with Regard to Automatic Processing of Personal Data.

2- European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental

داخلی کرده است. در نوامبر ۲۰۰۱، دولت فرانسه «کنوانسیون شورای اروپا درباره جرایم اینترنتی»^(۱) را امضا کرده و چون، عضو «سازمان همکاری اقتصادی توسعه»^(۲) می‌باشد «رهنمودهای این سازمان را در رابطه با حمایت از حریم خصوصی و جریان فرامرزی داده‌های شخصی»^(۳) پذیرفته است.

ب - حقوق جمهوری فدرال آلمان

ماده ۱۰ قانون راجع به حقوق بنیادین آلمان می‌گوید:

«۱- حریم خصوصی نامه‌ها، پست‌ها (مرسولات پستی) و ارتباطات از راه دور غیر قابل تعرض است.

۲- تنها به حکم قانون می‌توان محدودیت‌هایی را پیش‌بینی کرد.

هر جا که یک محدودیت برای حمایت از نظام مبتنی بر مردم‌سالاری آزادانه به کار رود یا برای وجود و یا امنیت فدراسیون به کار رود قانون می‌تواند مقرر دارد که شخص تأثیرپذیر از آن محدودیت آگاه شود و در صورت لزوم مراجعه به دادگاه‌ها جایگزین تجدیدنظر از سوی سازمان‌ها و واحدهای اداری منصوب شده از سوی مجلس شود».

در سال ۱۹۸۳ در دعوایی علیه قانون سرشماری آلمان، دادگاه قانون اساسی رسماً «حق افراد نسبت به تعیین سرنوشت اطلاعاتشان»^(۴) را که می‌تواند محدود به «نفع عمومی برتر»^(۵) شود شناسایی کرد. مهم‌ترین قسمت رأی دادگاه مذکور اعلام می‌کند «شخصی که نمی‌تواند مشخصاً بررسی کند که کدام اطلاعات مربوط به او برای بخش‌های معینی از محیط اجتماعی او شناخته شده است و شخصی که نمی‌تواند ارزیابی کند که دانش و معلومات شرکای ارتباطات احتمالی او تا چه اندازه می‌باشد ممکن است توانایی و صلاحیتش نسبت به طرح‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با موانعی مواجه شود. حق نسبت به تعیین سرنوشت اطلاعات حقی است علیه

Freedoms.

- 1- Council of Europe Cybercrime Convention.
- 2- Organization for Economic Cooperation and Development.
- 3- Guidelines on the Protection of Privacy and Transborder Flows of Personal Data.
- 4- Right of informational selfdetermination.
- 5- Predominant public interest.

نظام اجتماعی و علیه مهم‌ترین بخش این نظام اجتماعی یعنی نظم حقوقی‌ای که در آن شهروندان، دیگر نمی‌توانند آگاه باشند که چه کسانی چه اطلاعاتی را، در چه زمانی و تحت چه اوضاع و احوالی درباره آنها دارند». این رأی سرنوشت‌ساز دادگاه به مواد یک و دو قانون بنیادین آلمان که حق شخصی نسبت به آزاد بودن از هرگونه تعرض و تجاوز را اعلام می‌کنند مستند شده بود. (Privacy and Human Rights 2002, p.182)

پیش از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به ایالات متحده، آلمان دقیق‌ترین قانون حمایت از داده‌ها را در میان کشورهای اتحادیه اروپایی داشت. در سال ۱۹۷۰ اولین قانون حمایت از داده‌ها در دنیا در ایالت هیسن آلمان^(۱) تصویب شد. در ۱۹۷۷ قانون فدرال حمایت از داده‌ها به تصویب رسید که در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۴ و ۱۹۹۷ مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. هدف کلی این قانون عبارتست از «حمایت از افراد در برابر نقض حقوق شخصی آنها از سوی دارندگان اطلاعات مرتبط با افراد». قانون مذکور، جمع‌آوری، به جریان انداختن و افشا سازی و استفاده از داده‌های شخصی جمع‌آوری شده توسط مقامات دولت فدرال و نیز مقامات غیردولتی را در صورتی که از آن داده‌ها برای اهداف تجارتي یا شغلی استفاده کنند تحت شمول خود قرار می‌دهد. (Privacy and Human Rights 2002, p.183)

در تجدیدنظری که طبق قانون ۲۰۰۱، در قانون فدرال حمایت از داده‌ها صورت گرفت مقررات راجع به ارسال داده‌های شخصی به خارج، نظارت ویدیویی، بی‌نام سازی و استفاده از نامهای مستعار، کارت‌های هوشمند و جمع‌آوری داده‌های حساس (راجع به نژاد و قومیت، عقاید سیاسی، مذهبی یا اعتقادات فلسفی، گرایش‌های جنسی و سلامتی) مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این قانون به اشخاصی که اطلاعات به آنها مربوط می‌شود حقوق بیشتری نسبت به اعتراض می‌دهد. (Privacy and Human Rights 2002, p.183)

قانون مذکور همچنین اعلام می‌کند شرکت‌هایی که به جمع‌آوری، به جریان انداختن و افشا و یا استفاده از داده‌های شخصی مبادرت می‌کنند باید یک مأمور حمایت از داده‌ها منصوب کنند؛ پایگاه‌های اطلاع‌رسانی نیز که چنین اطلاعاتی را جمع‌آوری می‌کنند باید در آلمان به ثبت برسند و رضایت افرادی که اطلاعات مربوط به آنها جمع‌آوری می‌شود پیش از افشای کامل اطلاعات جمع‌آوری شده باید کسب شود.

1- German Land of Hessen.

«کمیسیون فدرال حمایت از داده‌ها»^(۱)، مسئولیت نظارت بر اجرای قانون حمایت از داده‌ها را برعهده دارد. مهم‌ترین وظایف این کمیسیون دریافت شکایات، انجام تحقیقات راجع به آنها و ارائه توصیه‌هایی به مجلس و دیگر واحدهای دولتی می‌باشد. در سال ۲۰۰۱ حدود ده تا بیست هزار مؤسسه کنترل اطلاعاتی در آلمان به ثبت رسید. ولی شمار این کنترل‌کننده‌ها آرام آرام در حال کاهش است. زیرا پس از اعمال تغییرات در این قانون در سال ۲۰۰۰، انتصاب مأموران دفتر حمایت از داده‌ها پیش‌بینی شد. این کمیسیون دارای ۷۰ کارمند است و در حدود ۴۵۰۰ شکایت کتبی و شفاهی را پاسخ داده است. (Privacy and Human Rights 2002, p.184)

قانون مهم دیگری که در آلمان فدرال در زمینه حریم خصوصی وجود دارد قانون G-۱۰ است که محدودیت‌هایی را بر محرمانه بودن برخی ارتباطات تحمیل می‌کند. قانون مذکور در سال ۲۰۰۱ اصلاح شد تا ارائه دهندگان خدمات اینترنتی را ملزم سازد که وسایل و امکانات لازم برای کنترل داده‌ها و خطوط صوتی را در اختیار مقامات مجری قانون (نیروی انتظامی) قرار دهند. مقامات دولتی درصدد هستند تا ارائه دهندگان خدمات اینترنتی را نسبت به تنظیم و کنترل بالمباشره محتوای اطلاعات اقناع کنند ولی ارائه دهندگان خدمات اینترنتی اروپا و نیز مأموران حمایت از داده‌ها، همچنان در مقابل درخواست‌های پلیس مقاومت کرده و اجازه نظارت وسیع نسبت به پست‌های الکترونیک و حافظه‌های مربوط به داده‌ها را نمی‌دهند. (Privacy and Human Rights 2002, p.184)

همچنین استراق سمع‌های تلفنی از طریق کارگذاشتن میکروفون یا سیم‌های مخفی تابع قانون G-۱۰ می‌باشد که مبادرت به این عمل منوط به دستور دادگاه آن هم در دعاوی کیفری است. در سال ۱۹۹۹ دادگاه قانون اساسی رأی براساس به قانون ۱۹۹۴ صادر کرد که استفاده از سیم‌های مخفی شهود ارتباطات بین‌المللی را برای اهداف جلوگیری از تروریسم و تجارت غیرقانونی مواد مخدر و اسلحه، بدون اخذ قرار از دادگاه مجاز اعلام کرد.

پس از ۶ سال مناقشات سیاسی، اکثریت ۳/۳ مجلس آلمان انجام اصلاحاتی در اصل ۱۳ قانون اساسی را در ۱۹۹۸ تصویب کرد تا بدین وسیله مقامات پلیس را مجاز دارد که نسبت به نصب وسایل شنود، حتی در منازل شخصی نیز اقدام کنند. هدف این تجدیدنظر، تمهید چاره‌ای برای افزایش امکانات قانونی جهت مبارزه علیه جرایم سازمان یافته بود. (Privacy and Human

«قانون اطلاعات و خدمات ارتباطاتی» مصوب ۱۹۹۷ نیز حمایت‌هایی در رابطه با اطلاعات مورد استفاده در شبکه‌های کامپیوتری پیش‌بینی کرده است. همچنین قانون مذکور مقرراتی را برای امضاهاى دیجیتالی براساس دستورالعمل اتحادیه اروپایی پیش‌بینی کرده است. (Privacy and Human Rights 2002, p.187)

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، آلمان مقرراتی را به قصد جلوگیری از فعالیت‌های تروریستی وضع کرده است. قانون ضد تروریسم آلمان که در ژانویه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شده است به طور کامل برخی از قوانین فعلی را تغییر داده است. در میان مهم‌ترین مقررات تغییر یافته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مشروع دانستن احراز هویت‌های بیومتریک (احراز هویت مبتنی بر ویژگی‌های جسمانی انسان) در گذرنامه‌ها و کارت‌های شناسایی هویت؛ تسهیل دسترسی مقامات دولتی به اطلاعات؛ مجاز دانستن سرویس مخفی آلمان به مطالبه اطلاعات کاربرها از ارائه دهندگان خدمات اینترنتی، خطوط پروازهای هواپیمایی و مؤسسات مسافرتی و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی گویا برای ممکن ساختن شناسایی پناه جوینان از طریق صدای آنها.

در فوریه سال ۲۰۰۲، وزیر کشور آلمان اعلام کرد که تلاش‌های ضد تروریستی شامل صدور کارت‌های رم‌دار احراز هویت مبتنی بر مشخصات جسمانی افراد برای همه شهروندان و فناوری‌های نوین انگشت‌نگاری و چهره‌نگاری خواهد شد. بسیاری از شهروندان آلمانی به این اقدامات اعتراض کردند و در فوریه ۲۰۰۲ دادگاه‌های برلین و فرانکفورت برخی از اعتراض‌ها نسبت به تفتیش‌های کامپیوتری اسناد و مدارک دولتی به قصد کشف تروریست‌های مظنون را که عمدتاً "بر مبنای مشخصات مذهبی آنها صورت می‌گرفت تأیید کردند. (Privacy and Human Rights 2002, p.188)

آلمان، عضو شورای اروپاست و کنوانسیون حمایت از افراد در قبال افشای خودبه‌خود داده‌های شخصی را امضا و به حقوق داخلی خود وارد کرده و پروتکل اضافی این کنوانسیون را نیز امضا کرده است. همچنین آلمان کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را امضا و به حقوق ملی ملحق کرده است و در نوامبر ۲۰۰۲ کنوانسیون راجع به جرایم اینترنتی را امضا کرده است. آلمان عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه نیز می‌باشد و بر همین اساس دستورالعمل‌ها و رهنمودهای حمایت از حریم خصوصی و جریان فرامرزی داده‌های شخصی را که از سوی این سازمان پیشنهاد شده پذیرفته است. (Privacy and Human Rights 2002, p.188)

ج - حقوق پادشاهی هلند

قانون اساسی هلند حق نسبت به حریم خصوصی را تصریحاً "پیش‌بینی کرده است. (>http://www. uni- wuerzburg. de/ Law/ n100000- htm/ < available at : اصل ۱۰ قانون اساسی مقرر می‌دارد:

۱- هر کس حق دارد تا حریم خصوصی‌اش رعایت شود بدون آنکه لطمه‌ای به محدودیت‌های پیش‌بینی شده در قوانین وارد شود.

۲- قواعد حمایت از حریم خصوصی باید در قانون مربوط به ضبط و پخش داده‌های شخصی پیش‌بینی شود.

۳- قواعد راجع به حق اشخاص نسبت به مطلع شدن از داده‌هایی ضبط شده راجع به آنها و استفاده‌ای که از آن داده‌ها به عمل می‌آید و حق تصحیح آن داده‌ها باید در قوانین عادی پیش‌بینی شود».

اصل ۱۲ قانون اساسی درباره حریم خصوصی منزل اعلام می‌کند که:

۱- ورود به داخل منزل اشخاص بدون رضایت متصرف آن خانه تنها در موارد پیش‌بینی شده در قانون مجاز می‌باشد.

۲- شناسایی قبلی (معرفی مقام وارد شونده) و اعلام هدف از ورود به منزل باید پیش از ورود به منزل و مطابق با استثنائات پیش‌بینی شده در قوانین صورت بگیرد. یک گزارش کتبی از ورود باید در اختیار متصرف منزل قرار بگیرد».

اصل ۱۳ نیز درباره حریم خصوصی ارتباطات پیش‌بینی کرده است که:

۱- حریم خصوصی مکاتبات و مکالمات را نمی‌توان نقض کرد مگر در موارد پیش‌بینی شده در قانون و به دستور دادگاه.

۲- حریم خصوصی تلفن و تلگراف غیر قابل نقض است مگر در موارد پیش‌بینی شده در قانون و با اخذ مجوز از اشخاص پیش‌بینی شده برای آن هدف در قوانین».

در مه سال ۲۰۰۲، کمیسیون منصوب شده از جانب دولت در زمینه «حقوق مبتنی بر قانون اساسی در عصر دیجیتال»، پیشنهادهایی را برای تغییر قانون اساسی هلند ارائه داد. این کمیسیون پس از سردرگمی درباره وضعیت حقوقی پست‌های الکترونیک و اینکه آیا آنها تابع نظام حریم خصوصی نامه‌ها که در قانون اساسی مورد حمایت واقع شده است می‌باشند یا نه، تشکیل شد. وظیفه این کمیسیون از جمله آن بود که تحقیق کند، آیا حقوق جدیدی باید شناسایی شود یا

نه؟ (Privacy and Human Rights 2002, p.272)

«قانون حمایت از داده‌های شخصی» (Presonal Data Protection Act, July 6, 2000, available at: > [http://www.2.unimaas.nl/~ Privace / wbp - en - vev. htm](http://www.2.unimaas.nl/~Privace/wbp-en-vev.htm)>) ۲۰۰۰ به تصویب پارلمان هلند رسید. این قانون، تجدیدنظر شده و موسع شده قانون ثبت داده‌ها مصوب ۱۹۸۸ بود که برای همسو شدن با دستورالعمل اروپایی حمایت از داده‌ها و تنظیم شیوه افشای داده‌های شخصی به کشورهای خارج از اتحادیه اروپا تصویب شد. قانون جدید از سپتامبر ۲۰۰۱ لازم‌الاجرا شده است.

تاکنون، دو فرمان به موجب قانون ثبت داده‌ها صادر شده است. فرمان اول درباره داده‌های حساس است که شرایط محدودی را پیش‌بینی می‌کند. یعنی به هنگامی که، امکان ثبت و درج داده‌های شخصی راجع به اعتقادات مذهبی افراد، نژاد، گرایش‌های سیاسی، جنسیت، سوابق پزشکی، روانی و کیفری در پرونده داده‌های شخصی وجود داشته باشد این شرایط اعمال می‌شوند. فرمان دوم راجع به استثنایی است که برخی از سازمان‌ها را از الزامات ثبت شده در قانون ثبت داده‌ها معاف می‌سازد. (Privacy and Human Rights 2002, p.273)

در هلند قوانین خاصی درباره پلیس مصوب ۱۹۹۰، آزمایش‌های پزشکی مصوب ۱۹۹۷، معالجات درمانی مصوب ۱۹۹۷، تأمین اجتماعی مصوب ۱۹۹۷، ورود به منازل خصوصی مصوب ۱۹۹۴ و نصب مانیتورهای نظارتی مصوب ۱۹۴۴ و قانون ارتباطات از راه دور مصوب ۱۹۹۸ وجود دارد. رهگیری ارتباطات توسط ماده ۱۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری کنترل شده و مبادرت به این اقدام مستلزم کسب قرار قبلی دادگاه می‌باشد. مقامات امنیتی و سرویس‌های اطلاعاتی برای رهگیری مکالمات، نیازی به اخذ قرار از دادگاه ندارند ولی باید اجازه قبلی از وزیر مسئول را کسب کنند. «قانون اختیار تحقیقات خاص» که از فوریه ۲۰۰۰، به مرحله اجرا درآمده است کمیت و کیفیت روش‌های تحقیقات کیفری را پیش‌بینی کرده است. (Special Investigaiton Powers Act 2000; available at: <[http://www.minjust.nl:8080/a-beleid / fact / specialpow. htm](http://www.minjust.nl:8080/a-beleid/fact/specialpow.htm)>) ۱۹۹۸ تصویب شده است که ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی را ملزم می‌سازد تا توانایی‌های لازم را تا اوت ۲۰۰۰ برای رهگیری تمامی ارتباطات اینترنتی براساس قرار دادگاه به وجود آورده و تماس‌های کاربران را به مدت سه ماه در حافظه نگهداری کنند. «مؤسسه پزشکی قانونی

هلند»^(۱) یک جعبه موسوم به «جعبه سیاه»^(۲) ایجاد کرده است که برای رهگیری ارتباطات اینترنتی مورد استفاده قرار می‌دهد. این جعبه سیاه تحت کنترل ارائه دهنده خدمات اینترنتی قرار داشته و پس از دریافت قرار دادگاه، روشن و فعال می‌شود. جعبه مذکور، پس از شناسایی شخص مورد نظر ارتباطات وی را شنود کرده و در صورتی که شخص همچنان مشغول کار با اینترنت باشد مقامات مجری قانون را (نیروی انتظامی) مطلع می‌سازد. (<http://www.hom/mes.nl/>)

در مه ۲۰۰۰، ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی هلند، در زمینه گزارش نام و آدرس آن دسته از کاربران اینترنتی که به اتهام ارتکاب جنایت تحت تحقیقات کیفری قرار دارند بدون آنکه قراری از دادگاه صادر شده باشد با وزارت دادگستری به توافق نرسیدند. قوانین حریم خصوصی هلند به اشخاصی که اطلاعات خود را ثبت کرده‌اند حق می‌دهد تا داده‌های شخصی خود را در صورت لزوم در اختیار اشخاص ثالث قرار دهند. توافق میان ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی، وزارت دادگستری، پس از صدور حکم دادگاه مبنی بر اینکه مطالبه اطلاعات از سوی وزارت دادگستری بدون وجود هرگونه فوریت واضح است متوقف شد. (Privacy and Human Rights 2002, p.275)

در سال ۲۰۰۱ «کمیته راجع به جمع‌آوری اطلاعات در تحقیقات کیفری»^(۳)، گزارشی منتشر ساخت که در آن پیشنهاد کرده بود اختیارات پلیس باید به اندازه‌ای افزایش یابد که به آنها اجازه انجام تحقیقات پیش از عملیات را بدهد. هدف پیشنهادهایی که ظرف سال ۲۰۰۱ جهت اختیارات پلیس صورت گرفته آن است که دسترسی پلیس به اطلاعات شخصی همه گروه‌های شهروندی را که توسط مؤسسات متعدد خصوصی نظیر بانک‌ها و ایستگاه‌های تلفن و شرکت‌های کارت اعتباری و آژانس‌های مسافرتی و بیمارستان‌ها نگهداری می‌شوند بدون اخذ قرار قضایی و به منظور کشف جرایم مجاز اعلام کنند. (Privacy and Human Rights 2002, p.275)

دولت هلند در اکتبر ۲۰۰۱ یک طرح عملیاتی را که شامل ۴۳ اقدام ویژه برای مبارزه با تروریسم و توسعه امنیت می‌شد برنامه‌ریزی کرد. در میان این تدابیر اقدامات ویژه می‌توان به توسعه مؤسسات اطلاعاتی و امنیتی، افزایش همکاری‌های بهتر میان سرویس‌های اطلاعاتی و

1- Dutch Forensics Institute.

2- Black - box.

3- Committe on the Gathering of Information in Criminal Investigations.

امنیتی و پلیس، گسترش دادن هویت شناس‌های بیومتریک، توسعه ظرفیت‌های تحقیقاتی و تعقیب، استفاده از رمزگذاری‌های قوی، تضمین کردن ISP، توسعه ظرفیت رهگیری‌های ماهواره‌ای برای مبارزه با تروریسم و انجام تحقیقات بیشتر درباره مسأله نگهداری و ذخیره داده‌ها توسط اپراتورهای ارتباط از راه دور اشاره کرد. (<http://ww.minjust.nl:8080/C-actual/Persber/pbo775.htm>)

«قانون اطلاعات دولتی» و به عبارت دیگر دسترسی همگانی به اطلاعات دولتی مصوب ۱۹۹۱، بر حق پیش‌بینی شده در قانون اساسی درباره دسترسی به اطلاعات مبتنی است. قانون مذکور، این فرض را تأسیس کرده است که اسنادی که توسط مؤسسات دولتی تولید می‌شوند باید در دسترس همگان قرار گیرند. اطلاعات، در صورتی که به روابط بین‌المللی کشور، منافع اقتصادی یا مالی کشور، تحقیقات جرایم کیفری و نظارت توسط مقامات عمومی مربوط باشد یا به حریم خصوصی افراد مربوط باشد غیر قابل افشا می‌باشد. با این حال، استثنائات مزبور، ممکن است در مقایسه با اهمیت افشاء اطلاعات خاص تعدیل شوند. متقاضیان دسترسی به اطلاعات دولتی در صورتی که با امتناع مقامات دولتی مواجه شوند می‌توانند به یک دادگاه اداری شکایت کنند تا تصمیم نهایی را در این باره اتخاذ کند.

در پایان اضافه می‌کند که هلند یکی از اعضای شورای اروپا بوده و «کنوانسیون حمایت از افراد را در برابر افشای خودبه خود داده‌های» شخصی امضا کرده و به قوانین داخلی خود ملحق نموده است. همچنین «کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین» را نیز امضا کرده است. هلند در نوامبر ۲۰۰۱، «کنوانسیون شورای اروپا درباره جرایم اینترنتی» را امضا کرده است و یکی از اعضای «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه» می‌باشد که دستورالعمل‌های این سازمان را درباره حمایت از حریم خصوصی و جریان فرامرزی داده‌های شخصی مورد پذیرش قرار داده است.

د - حقوق سوئیس

بند چهار اصل ۳۶ قانون اساسی سوئیس مصوب ۱۸۷۴ مقرر کرده بود که غیر قابل نقض بودن محرمانگی نامه‌ها و تلگرام‌ها تضمین می‌شود. قانون مذکور در فراندوم آوریل ۱۹۹۹ لغو و قانون دیگری جایگزین آن شد. قانون اساسی جدید که از اول ژانویه ۲۰۰۰ لازم‌الاجرا شده حمایت از حریم خصوصی را توسعه داده است. اکنون، اصل ۱۳ قانون اساسی مقرر می‌دارد که:

«همه اشخاص مستحق برخورداری از احترام نسبت به زندگی شخصی و خانوادگی، منزل، مرسولات پستی و ارتباطات از راه دور هستند. همه حق دارند تا در برابر سوء استفاده از داده‌های شخصی آنها مورد حمایت قرار گیرند.» (available at: <http://www.uni-wuerzburg.de/Law/sz0000-h.htm>.)

در نظام حقوقی سوئیس «قانون فدرال حمایت از داده‌ها» (Loi Fédéral sur la Protection de Données (LPD) du 19 Juin 1992) به تنظیم مسائل مربوط به اطلاعات شخصی که توسط دولت فدرال و واحدهای خصوصی نگاهداری می‌شوند می‌پردازد. قانون مذکور، اصول قانونی بودن و شفاف بودن را به هنگام جمع‌آوری اطلاعات، لازم‌الرعا به دانسته و محدودیت‌هایی را بر مصرف آن اطلاعات یا افشای آنها به اشخاص ثالث وضع می‌کند. شرکت‌های خصوصی نیز چنانچه مرتباً داده‌های شخصی افراد را با به جریان انداختن آنها افشا سازند یا در اختیار اشخاص ثالث قرار دهند باید به ثبت برسند. انتقال داده‌های شخصی به اتباع خارجی باید به ثبت برسد و مشروط به آن است که دریافت‌کننده اطلاعات، قانونی مشابه قانون سوئیس داشته باشد. افراد حق دسترسی به اطلاعات دارند تا در صورت لزوم نادرستی آنها را اصلاح کنند. مؤسسات فدرال باید پایگاه‌های اطلاع‌رسانی خود را به ثبت برسانند و الا با مجازات‌های کیفری مواجه خواهند شد. در حال حاضر، پارلمان سوئیس اصلاح قانون مذکور را در دست بررسی دارد و می‌خواهد مقررات بهتری را در زمینه انتقال داده‌های شخصی به‌ویژه توسط واحدهای خصوصی پیش‌بینی کند. همچنین، تطبیق دادن قانون حمایت از داده‌ها با استانداردهای مقرر شده در دستورالعمل اتحادیه اروپا در مورد حمایت از داده‌ها از دیگر اهداف پارلمان است. در برخی کانتون‌ها نیز مقررات ویژه‌ای در مورد حمایت از داده‌ها وجود دارد. با وجود این، هنوز برخی از کانتون‌ها قوانینی در مورد حمایت از داده‌ها تصویب نکرده‌اند. (Privacy and Human Rights 2002, p.348)

در ژوئن ۱۹۹۹، گروه کاری اتحادیه اروپایی حمایت از داده‌ها اعلام کرد که قوانین سوئیس براساس دستورالعمل اتحادیه اروپایی برای حمایت از داده‌ها، کافی و متناسب است. (available at: http://europa.eu.int/Comm/dg15/en/media/dataprot/wpdocs/wp22_fr.pdf.)

در سال ۱۹۹۲ به موجب یک قانون، پست کمیسیونری حمایت از داده‌های فدرال ایجاد شد. کمیسیونر شخصی است که پرونده‌های مربوط به داده‌ها را نگهداری کرده و بر واحدهای دولت فدرال و خصوصی نظارت می‌کند. همچنین ارائه مشاوره و توصیه و صدور گزارش و نیز انجام

تحقیقات از دیگر وظایف کمیسیونر می‌باشد. کمیسیونر حمایت از داده‌های فدرال در آخرین گزارش خود که مربوط به فاصله سال‌های آوریل ۲۰۰۰ تا مارس ۲۰۰۱ می‌شود به کارگیری نظارت‌های ویدئویی در بخش‌های عمومی و خصوصی، نظارت و بازرسی (مانیتورینگ) پست‌های الکترونیک و کاربری‌های اینترنتی کارگران، آزمایش‌های مواد مخدر کارگران، احراز مشخصات DNA توسط نیروهای انتظامی و مأموران مجری قانون، حریم خصوصی در عرصه تجارت الکترونیک و برخی مسائل دیگر را مورد توجه قرار داده است. (Privacy and Human Rights 2002, p.349)

تا سال ۲۰۰۲، شنودهای تلفنی، تابع ماده ۱۷۲ قانون جزا، برخی مقررات فدرال، قوانین نظامی و آئین دادرسی کیفری کانتون‌ها (ماده ۷۳-۶۶) بود. در نتیجه خصوصی سازی بخش تله کام (ارتباطات از راه دور) به وسیله قانون ارتباطات از راه دور مصوب ۱۹۹۷، دولت فرمان تأسیس یک مؤسسه تخصصی تحت عنوان ((Les Service de Taches speciales (STS) را در وزارت‌خانه های محیط زیست، حمل و نقل، انرژی و ارتباطات برای اداره شنودهای تلفنی صادر کرد. اکنون (STS) وظیفه برقراری ارتباط میان خدمات ویژه شرکت‌های متفاوت تله کام متعلق به دولت و اشخاص خصوصی و دادستان‌ها را که دستورهای شوند و رهگیری صادر می‌کنند بر عهده دارد. در گذشته، هرگونه قرار رهگیری پیام‌ها باید حسب مورد به تأیید یکی از شعب دادستانی دادگاه فدرال یا دادگاه عالی کانتون‌ها می‌رسید. (Privacy and Human Rights 2002, p.350)

در اول ژانویه ۲۰۰۲، قانون فدرال جدیدی درباره نظارت بر پست‌ها و ارتباطات از راه دور، لازم‌الاجرا گردید. (Loi Fédérale sur La Surveillance de la Correspondance Postale et des Télécommunications; available at: www.admin.ch/ch/f/rs/c/780-1.html.)
جدید، رهگیری ارتباطات در تمامی تحقیقات راجع به جرایم و تخلفات ممکن بود ولی قانون جدید هرگونه شوند و رهگیری پیشگیرانه را ممنوع کرده و برای اولین بار مجموعه‌ای از جرایم را بر شمرده است و شوند و رهگیری را در آن جرایم منحصر ساخته است. شرط صدور قرار توسط یک دادستان یا اخذ اجازه از یکی از شعب دادستانی، واضح تر شده است. همچنین قانون جدید، نظارت بر پست‌های الکترونیک را همانند دیگر اشکال ارتباطات از راه دور تلقی کرده است. ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی باید امکان نظارت بر ارتباطات اینترنتی را فراهم آورند و تا شش ماه سابقه هر ارتباط اینترنتی را ذخیره کنند.

علاوه بر قانون حمایت از داده‌ها، در قانون مدنی (ماده ۲۸) و قانون جزا (مواد ۱۷۳ تا ۱۷۹) نیز حمایت‌های قانونی از حریم خصوصی به چشم می‌خورد. همچنین، حمایت‌های خاصی در قواعد راجع به حریم خصوصی کارگران (ماده ۳۲۸ قانون تعهدات)، اطلاعات ارتباطات از راه دور مصوب ۳۰ آوریل ۱۹۹۷، آمار مراقبت‌های بهداشتی مصوب ۱۹۹۷، (available at: <http://www.admin.ch/bfs/stat-ch/ber14/StatSant/ff1403c.htm>)> حرفه‌ای مواد ۳۲۰ تا ۳۲۲ تحقیقات - ۲۳۵ c 235 <http://www.admin.ch/ch/fr/rs/c235> (available at: <http://www.admin.ch/ch/fr/rs/c235>)> 154.html> پزشکی و کارت‌های شناسایی هویت (available at: <http://www.admin.ch/ch/fr/rs/c1433>)> وجود دارد. قانون بانکداری فدرال سوئیس مصوب ۱۹۳۴ از حریم خصوصی سوابق بانکی حمایت می‌کند. این قانون به قصد حمایت جدی از حریم خصوصی و اسرار بانکی مشتریان و به‌ویژه افرادی که به دلایل نژادی، سیاسی یا مذهبی تحت تعقیب بودند وضع شد. اکنون، سوئیس تحت فشار شدید اتحادیه اروپا و شورای همکاری‌های اقتصادی و توسعه قرار دارد تا قوانین مذکور را کمی تضعیف کرده و امکان دسترسی بیشتر به سوابق بانکی را برای مقاصد اخذ مالیات فراهم آورد. با این حال، وزیر مالیه سوئیس (Kaspar Villiger) این پیشنهادها را رد کرده و مدعی است که قوانین راجع به محرمانه بودن سوابق بانکی برای سوئیس که نقش یک مرکز مهم مالی را ایفا می‌کند جنبه حیاتی دارد. در اکتبر ۲۰۰۰ متعاقب رسوایی مالی سانی آباچا (Sani Abacha)، دیکتاتور سابق نیجریه، اعلام شد که احتمالاً قوانین بانکی سوئیس مورد بازنگری قرار خواهد گرفت ولی در ژانویه ۲۰۰۱، یک مقام مسئول سوئیس اعلام کرد که ما تسلیم فشارهای اتحادیه اروپا جهت انجام اصلاحات در قوانین بانکی نخواهیم شد. (Privacy and Human Rights 2002, pp. 353-54)

دولت سوئیس، اصلاحات تازه‌ای را در قانون جزا به عمل آورده است تا با سازمان‌های تروریستی و تأمین منابع مالی برای تروریسم مقابله کرده و نیز به کنوانسیون سازمان ملل درباره اقدام علیه تأمین منابع مالی تروریست‌ها جامه عمل بپوشاند. سوئیس عضو شورای اروپاست و کنوانسیون حمایت از افراد در قبال افشای خودبه‌خود داده‌های شخصی را در ۱۹۹۷ امضا و وارد قوانین داخلی کرده است. همچنین، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین نیز به تصویب دولت سوئیس رسیده و وارد قوانین داخلی شده است. سوئیس در نوامبر ۲۰۰۱ کنوانسیون اروپایی راجع به جرایم اینترنتی را امضا کرده است. این کشور، عضو شورای همکاری‌های اقتصادی و توسعه می‌باشد و رهنمودهای شورای مذکور را در زمینه حمایت از

حریم خصوصی و جریان فرامرزی داده‌های شخصی مورد پذیرش قرار داده است. (Privacy and Human Rights 2002, p.354)

مبحث چهارم - حمایت از حریم خصوصی در حقوق موضوعه ایران

در نظام حقوقی ایران (متشکل از قواعد حقوقی منعکس شده در قانون اساسی، قوانین عادی، عرف، تعهدات عرفی و قراردادی بین‌المللی دولت ایران) حریم خصوصی به صورت مشخص و معنون مورد حمایت واقع نشده است. همانند موضع نظام حقوقی اسلام، موضع حقوق موضوعه ایران در مواجهه با حریم خصوصی یک موضع تحویل‌گرایانه است. حقوق و آزادی‌هایی که تحت عنوان «حریم خصوصی» قابل حمایت هستند به طور منفرد و در بطن سایر قواعد مختلف حقوقی نظام حقوقی ایران - هر چند به طور ناقص - مورد حمایت قرار گرفته‌اند. مبانی اسلامی نظام حقوقی ایران، قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آئین دادرسی کیفری، قانون آئین دادرسی مدنی، قوانین و مقررات مربوط به ارتباطات پستی، تلفنی، اینترنتی و قانون مطبوعات در زمره قوانین و مقرراتی هستند که گاه به طور ضمنی و گاه صریحاً از برخی مصادیق حریم خصوصی حمایت کرده‌اند. اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز حقوق بین‌المللی عرفی که متعاقب تصویب این اسناد بین‌المللی شکل گرفته است در زمره منابعی هستند که به طور صریح به حمایت از حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران تأکید دارند.

ذیلاً به مطالعه هر یک از منابع فوق و حمایتی که از حریم خصوصی به عمل آورده‌اند می‌پردازیم.

الف - مبانی اسلامی نظام حقوقی ایران

در بخش نخست این نوشتار به مطالعه جایگاه و اهمیت حریم خصوصی در نظام حقوقی اسلامی پرداختیم و به این نتیجه رسیدیم که در نظام مذکور با ریشه‌ها و علل عمده نقض حریم خصوصی مخالفت شده است و در واقع به صورت بنیادی به این مسأله توجه شده است. در این زمینه به آیات، روایات و سنت استناد کردیم و ممنوعیت تجسس و تفتیش، ممنوعیت سوءظن، ممنوعیت استراق سمع و بصر، ممنوعیت ورود به منازل بدون استیذان را به عنوان مهم‌ترین مصادیق حمایت از حریم خصوصی مورد بررسی قرار دادیم.

درست است که حریم خصوصی به طور صریح در قوانین ایران مورد حمایت قرار نگرفته است اما اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آئین دادرسی مدنی قاضی را موظف ساخته است تا در صورت سکوت قوانین و منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر کنند. لذا، آنچه دربارهٔ حمایت از حریم خصوصی در منابع و فتاوی معتبر اسلامی مشاهده می شود و در بخش اول این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت به گونه غیرمستقیم وارد نظام حقوقی ایران شده است و قابلیت استدلال و استناد در رسیدگی های قضایی را دارد.

ب - قانون اساسی

برخلاف قوانین اساسی کشورهای که از حریم خصوصی به صورت مشخص و در قالب اصل یا اصول خاصی حمایت کرده اند در قانون اساسی ایران، متن خاصی که از حریم خصوصی تحت این عنوان حمایت کرده باشد وجود ندارد. اگر حریم خصوصی را در حوزه های حریم خلوت و تنهایی، حریم مکانی، حریم اطلاعات، حریم ارتباطات و حریم جسمانی قابل دسته بندی بدانیم، در قانون اساسی ایران:

- ۱- داشتن حریم خصوصی به عنوان یک حق اساسی مورد شناسایی واقع نشده است؛
- ۲- حریم خلوت و تنهایی نه به صورت صریح و نه به صورت ضمنی مورد حمایت قرار نگرفته است؛
- ۳- از میان اماکنی که انتظار داشتن حریم خصوصی در آنها مورد پذیرش حقوق بین الملل و حقوق تطبیقی است در اصل ۲۲ تنها به «مال» و «مسکن» اشاره شده است و از حریم «محل کار» یاد نشده است مگر آنکه از کلمه «شغل» تفسیر موسعی ارائه شود؛
- ۴- آزادی اطلاعات جز به صورت بسیار مضیق در اصل ۲۴ قانون اساسی منعکس نشده است و استثنائات این آزادی نیز «عدم اخلال به مبانی اسلام» و «عدم اخلال در حقوق عمومی» ذکر شده است. اگر چه نقض حریم خصوصی به وسیله نشریات و مطبوعات را به دشواری می توان اخلال در مبانی اسلام دانست اما در مغل حقوق عمومی دانستن آن نباید تردید داشت؛ زیرا حق داشتن حریم خصوصی در زمره مهم ترین مصادیق حقوق عمومی است؛
- ۵- حریم خصوصی «داده های شخصی» در هیچ یک از اصول قانون اساسی مورد توجه واقع نشده است؛
- ۶- در اصل ۲۵، بدون آن که به «آزادی ارتباطات» تصریح شده باشد به استثنائات این آزادی

اشاره شده است و حریم خصوصی ارتباطات در مورد شایع‌ترین وسایل ارتباطی مورد حمایت قرار گرفته است. این اصل یکی از مهم‌ترین اصول قانون اساسی است که به نحو روشن و مشخص به حمایت از حریم خصوصی ارتباطات پرداخته است؛

۷- به حریم خصوصی جسمانی اشاره خاصی نشده است و تنها با تفسیر کلمات «حیثیت» و «جان» مذکور در اصل ۲۲ قانون اساسی، حریم خصوصی جسمانی را می‌توان مشمول حمایت‌های قانون اساسی دانست؛

۸- اصل ۲۵ قانون اساسی انجام هرگونه تجسس را ممنوع دانسته است. با احراز مفهوم «تجسس» می‌توان بسیاری از مصادیق نقض حریم خصوصی را تجسس قلمداد کرد؛

۹- کلمه «حقوق» که در اصل ۲۲ مذکور است و مصون از تعرض اعلام شده است یک کلمه کیفی و تفسیری است که حق حریم خصوصی را با یک «تفسیر پویا» می‌توان مشمول آن دانست؛

۱۰- در اصول ۱۴ و ۲۰ قانون اساسی به رعایت «حقوق انسانی» همه افراد تأکید شده است. همان‌طور که در بحث‌های گذشته اشاره شد، حق داشتن حریم خصوصی با کرامت و تمامیت انسان‌ها ارتباط تنگاتنگی دارد و در زمره مهم‌ترین حقوق انسانی است که در اسناد بین‌المللی بسیاری از آن نام برده شده است؛

۱۱- در آن اصول قانون اساسی که حمایت از حریم خصوصی مشاهده می‌شود این حمایت تابع استثنائاتی شده است که در میان استثنائات «حکم قانون» بیش از سایر استثنائات مورد توجه واقع شده است اما هیچ‌گونه اشاره‌ای به اوصاف قانونی که می‌تواند استثنایی را تحمیل کند صورت نگرفته است. همچنین، «امنیت ملی» که در زمره مهم‌ترین استثنائات حریم خصوصی است در اصول مذکور مورد توجه واقع نشده است مگر آنکه آن را مشمول «حقوق عمومی» بدانیم که در این صورت نیز تنها اصل ۲۴ به آن اشاره کرده است؛

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که قانون اساسی ایران همانند قانون اساسی فرانسه، اصطلاح «حریم خصوصی» را به کار نبرده است ولی از راه تفسیر می‌توان حریم خصوصی را مورد حمایت قانون اساسی دانست. همان‌طور که در سال ۱۹۹۵، شورای دولتی فرانسه با تفسیر برخی اصول قانون اساسی فرانسه اعلام کرد که حریم خصوصی به طور تلویحی در قانون اساسی فرانسه مورد حمایت واقع شده است. سایر کشورهایی که وضعی مشابه با ایران یا فرانسه داشته‌اند یا همانند فرانسه با ارائه تفاسیر جدید از برخی اصول قانون اساسی و انعکاس

این حمایت در رویه قضایی محاکم عالی حریم خصوصی را مشمول حمایت‌های قانون اساسی اعلام کرده‌اند و یا در قوانین اساسی خود تجدیدنظر کرده‌اند و آزادی اطلاعات و حق حریم خصوصی را در آنها وارد کرده‌اند. برخی از این کشورها، علاوه بر اقدام‌های فوق قوانین عادی نیز در زمینه حمایت از حریم خصوصی وضع کرده‌اند.

نکته‌ای که تذکر آن در اینجا لازم به نظر می‌رسد ضرورت تصریح به حمایت از حق حریم خصوصی در قانون اساسی و نه در سایر قوانین (عادی) است. وضع قوانین عادی که از حریم خصوصی حمایت می‌کند ما را از این ضرورت مستغنی نمی‌سازد؛ زیرا، قانون اساسی هر کشور، منشور حقوق و آزادی‌های اساسی مورد حمایت در آن کشور به شمار می‌رود و اکنون که بسیاری از اندیشمندان حقوقی، آزادی اطلاعات و حریم خصوصی را سنگ ستون دیگر حقوق اساسی قلمداد می‌کنند که نمی‌توان در قانون اساسی حرفی از اینها به میان نیاورد. قانون اساسی بدون وجود اصول حمایت‌کننده از آزادی اطلاعات و حریم خصوصی همانند «شیر بی‌یال و دم است». به همین دلیل، شاهد هستیم که در حقوق فرانسه، با آنکه ماده ۹ قانون مدنی به تصریح از «زندگی خصوصی» حمایت کرده است، ضرورت انعکاس این حق مهم در قانون اساسی همچنان احساس می‌شود و سبب می‌شود که سرانجام شورای دولتی فرانسه به این ضرورت از طریق تفسیر پاسخ گوید.

اشاره شد که در اصول مرتبط با حریم خصوصی، قانون اساسی ایران به ذکر کلمات «کیفی» و «تفسیری» بسنده کرده است و تفصیل امر را به قوانین عادی واگذار کرده است. به همین دلیل، برای فهم و تفسیر این اصول، مراجعه به قوانین عادی ضروری است تا اولاً مشخص شود که آیا در عمل قوانین مورد نظر این اصول تصویب شده‌اند یا نه و ثانیاً آیا این قوانین، حمایت بایسته و شایسته از حریم خصوصی به عمل آورده‌اند یا خیر؟ در این مقام، احکام قانون آئین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

ج - قانون آئین دادرسی کیفری

قانون آئین دادرسی که به قانون «تضمین‌کننده» حقوق و آزادی‌های «تعیین شده» موسوم است مؤثرترین وسیله عملی برای حمایت از حق حریم خصوصی است. به طوری که با نگاهی اجمالی به برخی مواد این قانون می‌توان میزان حمایت واقعی از حریم خصوصی را احراز کرد. البته از طریق استناد به یک یا چند ماده قانون آئین دادرسی نمی‌توان احراز کرد که آیا حریم

خصوصی مورد حمایت قرار گرفته است یا نه و میزان این حمایت تا چه اندازه می‌باشد. بلکه باید با مطالعه کلیه مواد این قانون «روح آئین دادرسی» موجود را کشف کرد. باید دید که این روح با حمایت از حریم خصوصی همسو است یا با نقض حریم خصوصی؟

در میان قوانین آئین دادرسی، قانون آئین دادرسی کیفری در مقایسه با سایر قوانین (آئین دادرسی مدنی، اداری، انضباطی) از اهمیت بیشتر برخوردار است. زیرا، این قانون بیش از سایر قوانین آئین دادرسی، قدرت مداخله حکومت و مأموران دولت را در حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی محدود می‌کند. در این قانون هر چه اختیار مأموران حکومت، معین و معلوم باشد و هر چه اعمال این اختیار تابع ضوابط و شرایط مشخصی باشد مداخله حکومت در حقوق و آزادی‌های مردم معدود و محدود خواهد شد. بر عکس، اعطای اختیارات کلی در قالب جملات یا کلمات مبهم و قابل تفسیر به مأموران حکومت و به ویژه اعطای صلاحیت به آنها در زمینه تعیین ضوابط و شرایط اعمال اختیارات اعطا شده منجر به انکار یا تضییع حقوق و آزادی‌های فردی یا اجتماعی می‌شود و خودسری مأموران حکومت را افزایش می‌دهد.

ورود به منزل افراد و سایر اماکن متعلق به آنها و تفتیش یا توقیف اشخاص یا اموال موجود در آنها، توسل به وسایل ناقض حریم خصوصی در تحصیل ادله یک جرم، باز کردن نامه‌ها و بازرسی، شنود و رهگیری اشکال مختلف ارتباطات از راه دور، افشای مسائل یا اطلاعات خصوصی طرفین دعوا یا متهمین یا اشخاص ثالث به هنگام تحقیقات مقدماتی یا در جلسات دادرسی، در زمره مسائل مهم حریم خصوصی هستند که در قانون آئین دادرسی کیفری مورد بحث قرار می‌گیرند. برای استنباط روح حاکم بر آئین دادرسی کیفری به ویژه در زمینه حریم خصوصی، توجه به آن مواد قانون آئین دادرسی کیفری که به مسائل مذکور پرداخته‌اند از اولویت برخوردار است.

از حاصل مطالعات حقوق تطبیقی و استانداردهای بین‌المللی مربوط به حمایت از حریم خصوصی در قانون آئین دادرسی کیفری، معیارهایی به دست می‌آید که به نظر می‌رسد اعمال این معیارها بر مواد مورد بحث، می‌تواند منجر به نتیجه‌گیری درست از آنها شود. برخی از این معیارها عبارتند از:

- ۱- آیا ممانعت از نقض حریم خصوصی به هنگام کشف، تعقیب، تحقیق و رسیدگی به جرایم مورد تصریح قرار گرفته است یا نه؟
- ۲- در مواردی که نقض حریم خصوصی به دلیل وجود نفع عمومی برتر مورد پذیرش واقع

شده است چه مقامی مجوز لازم برای ورود به حریم خصوصی را صادر می‌کند، یک مقام قضایی یا یک مقام اجرایی یا اداری و یا یک مقام امنیتی؟

۳- در مواردی که مجوز مداخله در حریم خصوصی صادر می‌شود آیا این مجوز، موردی، محدود به مدت معین و تابع شرایط خاصی است یا یک مجوز کلی صادر می‌شود؟

۴- چنانچه مقامات قضایی انتظامی یا امنیتی یا اجرایی و اداری با نقض حریم خصوصی ادله‌ای را تحصیل کرده باشند برای چنین ادله‌ای در قانون آئین دادرسی کیفری، حکمی پیش‌بینی شده است یا نه؟

قانون آئین دادرسی کیفری مصوب مهرماه ۱۳۷۸ همانند قانون اساسی از حریم خصوصی به طور صریح حمایت نکرده است. لیکن برخی از مصادیق حریم خصوصی نظیر حریم خصوصی منزل، حریم خصوصی جسمانی و حریم خصوصی ارتباطات را مورد توجه قرار داده و برای جلوگیری از نقض آنها احکامی پیش‌بینی کرده است. بنابراین پاسخ آئین دادرسی کیفری به معیار نخست منفی است.

در پاسخ به این سؤال که چه مقامی اختیار صدور مجوز برای مداخله در حریم خصوصی افراد را دارد می‌توان گفت که علی‌الاصول تنها دادرسان از این اختیار برخوردارند و جز در موارد معدودی، قضات تحقیق و ضابطین دادگستری و مقامات اجرایی اختیار مستقلی در این باره ندارند:

۱- به موجب ماده ۲۷ قانون آئین دادرسی کیفری «رئیس یا دادرس هر شعبه مکلف است تحقیقات لازم را شخصاً انجام دهد. این امر مانع از آن نیست که با لحاظ موازین شرعی و مقررات قانونی پاره‌ای از تحقیقات و تصمیمات به دستور و زیر نظر قاضی دادگاه وسیله قضات تحقیق یا ضابطین دادگستری به عمل آید. تعیین قاضی تحقیق با رئیس حوزه قضایی یا معاون وی خواهد بود.

۲- طبق تبصره ماده ۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری تحقیق در جرایم منافی عفت تنها باید توسط قاضی انجام شود و قاضی نمی‌تواند انجام تحقیقات لازم را به قضات تحقیق یا ضابطین دادگستری واگذار کند.

۳- تفتیش و بازرسی منزل تنها باید به موجب قراری باشد که یک قاضی صادر می‌کند.

۴- در جرایم مشهود، ضابطین دادگستری مکلفند تا تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علایم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول و

تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی برسانند (ماده ۲۳ قانون آئین دادرسی کیفری).

۵- تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی صوتی و تصویری تنها به تصمیم قاضی، مجاز است (ماده ۱۰۴ قانون آئین دادرسی کیفری).

ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی در همین باره مقرر می‌دارد که:

«هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشاء نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا به جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

همچنین اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه ضمن نظریه مشورتی شماره ۷/۶۳۹۲ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۸ در مورد کنترل تلفن افراد اظهار می‌دارد که:

«با توجه به صراحت تبصره ماده ۱۰۴ ق.آ.د.ک. ۱۳۷۸ دستور کنترل تلفن افراد منحصرًا به دستور قاضی رسیدگی کننده باید باشد و تشخیص اینکه موضوع از موارد مربوط به امنیت کشور است یا خیر نیز به عهده همان قاضی رسیدگی کننده است.»

بدین ترتیب مشخص می‌شود که قانون آئین دادرسی کیفری در تعیین مقام صالح برای صدور مجوز مداخله در حریم خصوصی افراد، از معیار مورد پذیرش حقوق تطبیقی و استانداردهای بین‌المللی پیروی کرده است و از این لحاظ با حمایت از حریم خصوصی سازگار است.

در مورد شرایط صدور مجوز ورود در حریم خصوصی و سایر الزاماتی که به هنگام اجرای مجوز باید رعایت شوند، قانون آئین دادرسی کیفری، حسب هر یک از مصادیق حریم خصوصی احکامی را پیش بینی کرده است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- طبق ماده ۳۸ «دادرسان دادگاه و قضات تحقیق هنگامی اقدام به تحقیقات مقدماتی می‌نمایند که طبق قانون این حق را داشته باشند». بنابراین، اقداماتی که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهمین از بدو پیگیرد قانونی تا تسلیم به مراجع قضایی صورت می‌گیرد باید مطابق با قانون باشد. قانون (به ویژه اگر منظور از آن قانون آئین دادرسی کیفری

باشد) در مبحث پنجم مشخص کرده است که تحقیقات مقدماتی از چه زمانی شروع می‌شود و کیفیت آن چگونه باید باشد. اما مشخص نکرده است که در صورت تعارض تحقیقات با حقوق متهم و از جمله حق حریم خصوصی او، کدام یک بر دیگری حاکم خواهد بود. ماده ۲۲ و ماده ۲۳ از «لازم بودن» تحقیقات صحبت کرده و از این لحاظ با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر هماهنگ است. اما برخلاف دیوان اروپایی حقوق بشر، در نظام آیین دادرسی کیفری ایران، به مصادیق تحقیقات غیرضروری اشاره‌ای نشده است و احراز این امر در صلاحیت مقامات قضایی و گاه ضابطین دادگستری قرار داده شده است.

۲- ورود به حریم خصوصی منزل، تفتیش و بازرسی آن به حکم ماده ۹۶ در صورتی مجاز است که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد. در مقایسه با قوانین سایر کشورها نظیر آمریکا و کانادا که به ترتیب از ضابطه «دلیل محتمل» و ضابطه «معقول بودن» استفاده کرده‌اند. ضابطه «ظن قوی» در ماده ۹۶ به‌ویژه اگر معنای اصولی عبارت مورد توجه قرار گیرد موجه به نظر می‌رسد. منتها مشخص نشده است که منظور ظن شخصی است یا ظن نوعی. این احتمال وجود دارد که منظور از «قوی» بودن ظن، بالا بودن میزان قدرت اقتناعی ظن به طور نوعی باشد نه به طور شخصی. زیرا، جدایی قلمرو قواعد حقوقی و اخلاقی همواره ایجاب می‌کند که ابهامات در قلمرو قواعد حقوقی به نفع ضابطه نوعی تفسیر شود و در قلمرو قواعد اخلاقی به نفع ضابطه شخصی که البته نظرات مخالفی نیز در این باره وجود دارد.

تفتیش و بازرسی اماکن و اشیاء نیز تابع ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی شده است. طبق این ماده:

«تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء در مواردی به عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد».

یکی از مبانی مهم حمایت شدید از حریم خصوصی منازل ضمن تعریف موسعی که از آن ارائه می‌شود آن است که حق مالکیت و حق حریم خصوصی در مورد منازل با یکدیگر عجین می‌شوند و لذا حمایت از حریم خصوصی منازل در مقایسه با حریم خصوصی سایر اماکن، مضاعف می‌شود. به همین دلیل در تعیین ضابطه برای صدور مجوز تفتیش و بازرسی منازل باید وسواس بیشتری صورت بگیرد. قانون‌گذار، با آنکه در ماده ۹۶ چنین تمایزی را قایل نشده است اما در ماده ۹۸ مقرر کرده است که:

«تفتیش و بازرسی در حضور متصرف قانونی و شهود تحقیق و در غیاب وی در حضور ارشد حاضرین به عمل می‌آید. تفتیش و بازرسی اماکن نیز حتی‌المقدور با حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام می‌شود».

در این ماده، حریم خصوصی اماکن - که ظاهراً به مکان‌های غیرمسکونی اطلاق می‌شود - در مقایسه با حریم خصوصی منزل، مضیق قلمداد شده است و برخلاف منازل که تفتیش و بازرسی آنها به طور مطلق منوط به حضور متصرف قانونی و شهود تحقیق شده است تفتیش و بازرسی اماکن اولاً حتی‌المقدور و ثانیاً تنها در حضور صاحبان و متصدیان آنها انجام می‌شود و حضور شهود تحقیق ضروری اعلام نشده است.

در صورتی که صاحبخانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأمورین به خانه خود را تقاضا کند و یا اینکه ضابطین ورود به منزل را برای جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم یا کشف جرم لازم بدانند (در جرایم مشهود) باید بلافاصله نتیجه عمل به مقامات قضایی اطلاع داده شود، در جرایم غیرمشهود تفتیش منازل و اماکن اشیاء و جلب اشخاص باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد. (ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری).

اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷/۷۷۴۷ مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۷ اعلام کرده است که:

«با توجه به تصریح ماده ۲۴ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ به اینکه همچنین تفتیش منازل و اشیاء و جلب اشخاص در جرایم غیرمشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد و با توجه به اینکه اشیاء جمع شیء است و شیء هم شامل اتومبیل و غیر آن است، بازرسی خودروها در معابر، گلگاه‌ها و در داخل شهر توسط نیروی نظامی و انتظامی احتیاج به اجازه مخصوص هر خودرو توسط مقام قضایی دارد».

۳- چنانچه تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء با حقوق اشخاص مزاحمت نماید در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد (ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری). در این ماده مشخص نشده است که اولاً منظور از «حقوق» کدام حقوق است و ثانیاً آیا حقوق مظنونین یا متهمین مورد نظر است یا حقوق اشخاص ثالث و یا هر دو و ثالثاً، ضابطه تشخیص حقوق مهم چیست؟

اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۷۱۲۳۸۰ مورخ ۱۳۸۰/۷/۲۱ اعلام کرده است که:

«اصطلاح حقوق اشخاص در ماده ۹۷ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ ظاهراً در برابر حقوق عمومی است و شامل حقوق هر فردی می‌شود. متهم، شاکی، افراد خانواده آنان و همسایگان نیز از شمول آن خارج نیستند».

همان‌طور که در نظریه مشورتی اداره کل مذکور آمده است اگر «حقوق» مذکور در ماده ۹۷ را منصرف به حقوق فردی بدانیم در این صورت، حق بر حریم خصوصی که در زمره مهم‌ترین حقوق فردی است مشمول ماده فوق خواهد بود. اگر حق حریم خصوصی با حق مالکیت نیز قرین باشد در این صورت، اهمیت آن افزون خواهد شد و برای نقض آن دلایل و توجیحات زیادی لازم است.

همچنین در مورد «اشخاص» که تفتیش و بازرسی ممکن است با حقوقی آنها مزاحمت داشته باشد نظریه اداره کل حقوقی قابل پذیرش است و تنها باید اضافه کرد که در جرایم مشهود و نیز در جنایات (جرایم شدید)، انتظار حریم خصوصی متهمین در مقایسه با سایر موارد محدودتر است و در نتیجه حمایت از آنها کمتر.

اما پرسش اصلی در رابطه با ماده ۹۷، ضابطه احراز حقوق مهم از حقوق مهم است. در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت که در عرف کنونی جامعه ایران، حقوق معنوی و وابسته به شخصیت نظیر حق بر آبرو، ناموس و حیثیت در مقایسه با حقوق مادی برتر و مقدم تلقی می‌شوند.

در آثار فقهی نیز برخی فقها در تفسیر روایت «سمره ابن جندب» و حدیث «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» از تعارض حقوق معنوی و حقوق مادی سخن به میان آورده‌اند و در مقام طرح یک ضابطه اعلام کرده‌اند که حقوق وابسته به شخصیت (حق بر ناموس و شرف) بر حقوق مادی (نظیر حق مالکیت) ترجیح دارند. در برخی اسناد بین‌المللی نیز دسته‌بندی حقوق و مقدم دانستن برخی از حقوق نسبت به حقوق دیگر مشاهده می‌شود. برای مثال، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که دولت ایران نیز به آن ملحق شده است به لحاظ اهمیت حقوق مذکور در آن بر میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی ترجیح داده شده است. در برخی نظریه‌های حق نیز سلسله مراتب میان حقوقی مشاهده می‌شود و حق حیات، حق آزادی و حق مالکیت با سایر حقوقی که در بطن آنها مضمّن است به ترتیب ارجحیت و اهمیت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و این تقسیم‌بندی از حقوق که عمر زیادی از آن می‌گذرد هم اکنون نیز تقریباً در همه کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به حقوق بشر، شهروند و مردم مشاهده می‌شود.

در صورتی که تعارض میان دو دسته متفاوت از حقوق وجود داشته باشد همانند تعارض حق حیات و حق مالکیت، شاید ترجیح یکی از آنها بر دیگری چندان دشوار نباشد اما در فرضی که میان حقوق هم خانواده و همجنس تعارض وجود داشته باشد چه باید کرد؟ برای مثال اگر دو حق حیات یا دو حق مالکیت با همدیگر در تعارض باشند، آیا باز می‌توان از ضابطه اهم و مهم استفاده کرد؟ برای مثال، حق حیات یک مادر را بر حق حیات یک جنین کامل یا حق حیات یک عاقل را بر حق حیات یک دیوانه ترجیح داد؟ اینجا است که نیاز به معیار ترجیح دیگری پیدا می‌کند.

یکی دیگر از ملاک‌های تشخیص حقوق اهم از حقوق مهم جنبه فردی یا اجتماعی حقوق است: در صورت تعارض یک حق فردی همانند حق حریم خصوصی با یک حق عمومی یا اجتماعی همانند حق تعقیب جنایاتی که تنها به لحاظ حیثیت عمومی مورد تعقیب قرار می‌گیرند کدام یک بر دیگری مقدم و حاکم خواهد بود؟ جوامع لیبرال علی‌الاصول حقوق فردی را مقدم می‌دارند و جوامع سوسیالیست حقوق اجتماعی و عمومی را. جوامع اسلامی که ایران نیز در زمره آنهاست پاسخ روشنی به این سؤال نمی‌دهند. گاه با استناد به مبانی نقلی، حقوق فردی بر حقوق عمومی مقدم شناخته شده است (همانند حق قصاص نفس و عضو، احکام غضب و معاملات فضولی و اکراهی و عدم توجه به نظریه حسن نیت و نظریه ظاهر در تعیین آثار آنها) و گاه حیثیت عمومی برخی اعمالی که به ظاهر جنبه فردی دارند بر حیثیت خصوصی و فردی آنها مقدم شناخته شده است (همانند احکام ارتداد).

۴- تفتیش و بازرسی منازل باید در حضور متصرف قانونی و شهود تحقیق و در غیاب وی در حضور ارشد حاضرین به عمل آید. تفتیش و بازرسی اماکن نیز حتی‌المقدور باید در حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام شود. چنانچه در محلی که از آن تفتیش و بازرسی به عمل می‌آید کسی نباشد تنها در صورتی که تفتیش و بازرسی فوریت داشته باشد فقط قاضی می‌تواند با قید مراتب در صورت جلسه، دستور باز کردن محل را بدهد (ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری).

تفتیش و بازرسی منازل باید در روز صورت بگیرد و تنها در صورتی می‌توان شبانه به این کار دست یازید که ضرورت اقتضا کند و این ضرورت را قاضی تشخیص دهد و در صورت مجلس قید کند (ماده ۱۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری).

۵- در تفتیش و بازرسی اسناد و نوشته‌های متعلق به متهم باید حریم اطلاعات شخصی او رعایت شود. از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه که راجع به واقعه جرم

است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارائه می‌شود. قاضی مکلف است در مورد سایر نوشته و اشیاء متعلق به متهم با کمال احتیاط رفتار نموده و موجب افشای مضمون و محتوای آنها که ارتباط به جرم ندارد شود.

در پاسخ به سؤال چهارم (چنانچه با نقض حریم خصوصی، ادله‌ای تحصیل شده باشد چه باید کرد) قانون آیین دادرسی کیفری حکم خاصی را پیش بینی نکرده است و از این لحاظ ناقص است. یکی از مهم‌ترین تدابیری که در قوانین سایر کشورها در همین زمینه وجود دارد از عداد دلایل خارج ساختن ادله‌ای است که با نقض حریم خصوصی تحصیل می‌شود هرچند آن دلایل کاملاً نشان از واقعیت و صحت ادعا داشته باشند.

د - قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی نیز احکام مهمی درباره حریم خصوصی و حمایت از آن به چشم می‌خورد. لیکن، کلمات و عبارات‌های این احکام همانند سایر قوانین مرتبط با حریم خصوصی، کلی بوده و جنبه کیفی و تفسیری دارند و متأسفانه، رویه قضایی نیز اقدامی جهت تدقیق و تفسیر این احکام انجام نداده است.

در برخی از مواد قانون مجازات اسلامی به طور ضمنی و تلویحی از حق داشتن حریم خصوصی حمایت شده است و در برخی دیگر از مواد آن به طور صریح و روشن از مصادیق حق حریم خصوصی دفاع شده و برای نقض کنندگان آن مجازات‌هایی پیش‌بینی شده است:

۱- ماده ۵۷۰ مقرر می‌دارد که:

«هر یک از مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

با تفسیری که از اصول قانون اساسی و آزادی‌ها و حقوق پیش‌بینی شده در آن ارائه شد می‌توان داشتن حریم خصوصی را هم در زمره آزادی‌های شخصی افراد ملت دانست و هم در زمره حقوق مقرر در قانون اساسی. آزادی از مداخله دیگران در زندگی خصوصی در زمره آزادی‌های شخصی است که در اصل ۹ قانون اساسی نیز از آنها حمایت شده است. مصادیق این آزادی نیز در قالب اصول مختلف قانون اساسی مورد حمایت واقع شده است و می‌توان آنها را

مشمول «حقوق مقرر در قانون اساسی» دانست.

۲- مواد ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴ و ۵۷۵ در حمایت از حریم خصوصی جسمانی برای اشخاصی که به حبس یا توقیف غیرقانونی افراد اقدام می‌کنند مجازات‌هایی را به شرح زیر پیش‌بینی کرده‌اند:

ماده ۵۷۲ مقرر می‌دارد:

«هرگاه شخصی برخلاف قانون حبس شده باشد و درخصوص حبس غیرقانونی خود شکایت به ضابطین دادگستری یا مأمورین انتظامی نموده و آنان شکایت او را استماع نکرده باشند و ثابت نمایند که تظلم او را به مقامات ذی صلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته‌اند به انفصال دائم از همان سمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت سه تا پنج سال محکوم خواهند شد».

ماده ۵۷۳ اعلام می‌کند:

«اگر مسئولین و مأمورین بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها بدون اخذ برگ بازداشت صادره از طرف مراجع و مقامات صلاحیتدار شخصی را به نام زندانی بپذیرند به دو ماه تا دو سال حبس محکوم خواهند شد».

ماده ۵۷۴ نیز پیش‌بینی می‌کند:

«اگر مسئولین و مأمورین بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها از ارائه دادن یا تسلیم کردن زندانی به مقامات صالح قضایی یا از ارائه دادن دفاتر خود به اشخاص مزبور امتناع کنند یا از رسانیدن تظلمات محبوسین به مقامات صالح ممانعت یا خودداری نمایند مشمول ماده قبل خواهند بود مگر اینکه ثابت نمایند که به موجب امرکتبی رسمی از طرف رئیس مستقیم خود مأمور به آن بوده‌اند که در این صورت مجازات مزبور دربارہ امر مقرر خواهد شد».

ماده ۵۷۵ مقرر می‌دارد:

«هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذی صلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد».

اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه در نظریه تفسیری شماره ۷/۴۶۶۳ مورخ

۱۳/۷/۱۳۷۷ دربارۀ ماده ۵۷۵ اعلام کرد، است که:

«در صورتی که موارد مندرج در ماده ۵۷۵ ق.م.ا. مثلاً توقیف متهم مطابق قانون صورت گرفته باشد و مرجع قضایی هم متهم را به زندان‌های قانونی معرفی کرده باشد، اما مأمورین به جای اعزام متهم به زندان عمومی و تحویل به آنجا، او را به جای دیگر غیر از زندان برده و در آنجا توقیف نمایند، در این صورت هیچ‌گونه مسئولیتی متوجه قاضی صادرکننده قرار تأمین نخواهد بود. لکن در صورتی که قاضی بعد از صدور قرار تأمین منجر به توقیف متهم، به جای معرفی و اعزام او به زندان، دستور توقیف متهم را در جایی غیر از زندان قانونی بدهد، در این صورت دستور توقیف به کیفیت یاد شده در این‌گونه محل‌ها (زندان‌های اختصاصی) نیز می‌تواند از مصادیق ماده فوق‌الذکر باشد چه آنکه توقیف متهم در این‌گونه جاها توقیف قانونی نیست و مجوزی برای آن نمی‌توان یافت».

۳- مواد ۵۸۰ و ۶۹۴ برای نقض حریم خصوصی منازل و مواد ۶۹۱ و ۶۹۲ نیز برای حریم

خصوصی اماکن ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی کرده‌اند:

به موجب ماده ۵۸۰:

«هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد».

ماده ۶۹۴ نیز مقرر می‌دارد:

«هر کس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا شش سال محکوم می‌شوند».

طبق ماده ۶۹۱:

«هرکس به قهر و غلبه داخل ملکی شود که در تصرف دیگری است اعم از آنکه محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شود. هرگاه مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهند شد.»

و بالاخره آنکه ماده ۶۹۱ می‌گوید:

«هرگاه کسی ملک دیگری را به قهر و غلبه تصرف کند علاوه بر رفع تجاوز به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.»

۴- ماده ۵۸۲ حریم خصوصی ارتباطات و مواد ۶۰۴ و ۶۴۸ نیز حریم خصوصی اطلاعات را مورد توجه قرار داده‌اند و برای نقض کنندگان آنها ضمانت اجرای کیفری پیش‌بینی کرده‌اند.

ماده ۵۸۲ مقرر می‌دارد:

«هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشاء نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

ماده ۶۰۴ پیش‌بینی می‌کند که:

«هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری نوشته‌ها و اوراق و اسنادی را که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آنها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.»

طبق ماده ۶۴۸ نیز:

«اطباء و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون

ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

۵- مزاحمت‌های تلفنی یکی از مصداق‌های نقض حریم خلوت و تنهایی افراد جامعه است لذا برای جلوگیری از چنین مزاحمت‌هایی باید تدابیر قانونی اندیشیده شود. در همین راستا ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی این‌گونه مزاحمت‌ها را مستوجب کیفر اعلام کرده است:

«هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد».

کتابنامه:

الف - منابع عربی

- ۱- الفرطبی، اَبی عبدالله محمد بن احمد الانصاری، (۱۹۸۵ م.) تفسیر القرطبی، (بیروت، دار احیاء التراث العربی).
- ۲- الانصاری، الشیخ مرتضی، (۱۳۷۴)، کتاب المکاسب (قم: انتشارات دهاقانی)، الجزء الثانی.
- ۳- المناوی، محمد عبدالرؤوف، (۱۹۹۴ م.)، فیض التقدير فی شرح الجامع الصغیر، (بیروت: دارالکتب العلمیه).
- ۴- ابن جوزی، اَبی الفرج جمال الدین عبدالرحمن بن علی بن محمد الجوزی القرشی البغدادی، (۱۹۸۷ م.)، زادالمسیر، (قم: دارالفکر).
- ۵- الخرازی، السید محسن، فی التجسس و التفتیش، ۱۳۸۰، قابل دسترس در <http://www. Islamic Fegh. Org/magazines Feghti 11. htm>.
- ۶- نهج البلاغه، (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، انتشارات علامه، چاپ اول.
- ۷- السجستانی، اَبی داود سلیمان بن اشعث، (۱۹۹۰ م) ۲۰۰۱، سنن اَبی داود، (قم: دارالفکر).
- ۸- الری شهری، محمد، (۱۳۷۵)، میزان الحکمة، (قم: دارالحديث).
- ۹- اَبوبصیر، عبدالمنعم مصطفی حلیمه، حکم الجاسوس، ۲۰۰۱، قابل دسترس در www. Abuaseer. com.
- ۱۰- المجلسی الشیخ محمد باقر، (۱۹۸۳ م.)، بحارالانوار، (بیروت: دار احیاء التراث العربی).
- ۱۱- النمازی، الشیخ علی، (۱۴۱۹ ه.ق.)، مستدرک سفینة البحار، (قم، مؤسسة النشر الاسلامی)، جلد ۷.
- ۱۲- المازندرانی، مولی محمد صالح، شرح اصول الکافی، ج ۱۰.

ب - منابع لاتین

- 1- ALRC (Australian law Reform Commission); (1983), Privacy, Report

-
- N.22, Vol. 1 Canberra: Australian Government Publishing Service.
- 2- Bloustein Edward, (1964), *Privacy as an Aspect of Human Dignity : An Answer to Dean Prosser*, New York University Law Review, N. 39.
 - 3- Cooley, Thomas, (1988), *Laws of Torts*, 2nd edn.
 - 4- Frazer, Tim, (1983), *Appropriation of Personality - A New Tort?* LQR, N. 99.
 - 5 - Gavison, Ruth, in Schoeman, FD, (1984), *Philosophical Dimensions of Privacy: An Anthology*, Cambridge: Cambridge University Press.
 - 6- Gavison, Ruth, (1980), "Privacy and the Limits of Law" 89 Yale LAW Journal, N. 89.
 - 7- Innes, Julie C., (1992), *Privacy, intimacy and Isolation*, (Oxford University press).
 - 8- Irland Law Reform Commission; *Report on Privacy* (Dublin, 1998).
 - 9- Judgment of The European Court of Human Rights in X&Y v. The Netherlands (1985).
 - 10- Post, Robert C., (1989), *The Social Foundations of Privacy: Community and Self in The Common Law Tort*, California Law Review, N.77.
 - 11- Prosser, William, (1960), "Privacy" California Law Review, N. 48.
 - 12- Solove, Daniel J., (2002), "Conceptualizing Privacy", California Law Review, vol. 90.
 - 13- Stanford Encyclopedia of Philosophy; *Privacy*, at : <http://plato.Stanford.edu/entries/Privacy>.
 - 14- Irland Law Reform Commission; *Privacy: Surveillance And The Interception of Communications*, (Dublin, 1996).
 - 15- The Law Refom Commission of Hong Kong; (2000) *Consultation paper on Civil Liability for Invasion of Privacy*.
 - 16- Westin, Alan, (1968), *Privacy and Freedom* (New York: Atheneum).
 - 17- Picard, Étienne, (1999), *Protecting Privacy*, Edited by: Markesinis, (Oxford: Oxford University Press).
 - 18- Foord, Kate, (2002), *Defining Privacy*, VLRC.
 - 19- Waks, Ramond, (1993), *Personal Information - Privacy*.

- 20- Law, Oxford: Clarendon Press.
- 21- Décision 94-352 du conseil Constitutionnel du 18 Janvier 1995.
- 22- Loi N° 78-17 du Janvier 1978 relatigve à finformatique, aux Fichiere et aux Libertés.
- 23- La lio N°91-636 du 10 Juillet 1991 relative au secret des correspondeces émises par la voie des télécommunications.
- 24- Privacy and Human Rights 2002; An International Survey of Privacy Laws and Developments, (London, Privacy International), p.177.
- 25- Loi N° 553 du 28 Juin 2000 relative a la Liberté de Communication.
- 26- Loi N°2001-1062 du 15 Novembre Sur la sécurité Quotidienne.
- 27- Loi Fédéral sur la Protection de Données (LPD) du 19 Juin 1992.